

مطالعات مرحله دوم آمایش استان کرمان

و بازنگری مطالعات مرحله اول

(ویرایش نهایی)

فصل اول: تحلیل وضعیت استان

۱-۲- تحلیل اجتماعی و فرهنگی

۱-۲-۷- جمع بندی و نتیجه گیری از وضعیت اجتماعی و فرهنگی

(نقاط قوت و ضعف و فرصت و تهدید)

کارفرما:

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان

مشاور و مجری طرح:

جهاددانشگاهی استان کرمان

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
۱-۲-۷-۱-تحولات جمعیت در سه دهه گذشته.....	۲
۱-۲-۷-۲-تحلیل نظام شهری استان.....	۹
۱-۲-۷-۳-تحلیل نظام روستانشینی و عشایری استان.....	۱۱
۱-۲-۷-۴-تحلیل وضعیت فرهنگی استان.....	۱۳
۱-۲-۷-۵-سرمایه اجتماعی.....	۲۳
۱-۲-۷-۶-تحلیل ساختار فضایی فرهنگی-اجتماعی استان.....	۳۰
۱-۲-۷-۷-نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدات در حوزه اجتماعی و فرهنگی.....	۳۶

مقدمه

به طور کلی بر اساس شرح خدمات برنامه آمایش، تحلیل اجتماعی و فرهنگی شامل زیر بخش های ذیل است که در این بخش با مرور مهم ترین نکات در زیر بخش های تحلیل اجتماعی و فرهنگی به نتیجه گیری و نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدات وضعیت اجتماعی و فرهنگی استان می پردازیم:

۱- تحولات جمعیت در سه دهه گذشته

۲- تحلیل نظام شهری استان

۳- تحلیل نظام روستانشینی و عشایری استان

۴- تحلیل وضعیت فرهنگی استان

۵- سرمایه اجتماعی

۶- تحلیل ساختار فضایی فرهنگی-اجتماعی استان

۱-۲-۲-۱- تحولات جمعیت در سه دهه گذشته

همان گونه که در مباحث قبل گفته شد بررسی تحولات کلی جمعیت در استان کرمان در سال‌های گذشته، به لحاظ توزیع جغرافیایی جمعیت بر حسب تقسیمات اداری - سیاسی استان و همچنین تفکیک مناطق شهری و روستایی از تغییرات عمده‌ای برخوردار می باشد. عمده این تغییرات اساسی، تغییر در گرایش‌های کلی تحول جمعیت در مناطق روستایی را نشان می‌دهد، که در دهه (۱۳۷۵-۸۵) و در دوره ۵ ساله (۱۳۸۵-۹۰) بر خلاف دهه ۶۵-۱۳۷۵ و قبل از آن با افزایش غیر منتظره رشد جمعیت مناطق روستایی استان روبرو بوده است.

به نظر می‌رسد، علاوه بر تغییرات مربوط به نرخ رشد طبیعی جمعیت که غالباً در سطح مناطق روستایی از درجه اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشد، تغییر تقسیمات سیاسی - اداری استان نیز در تغییر گرایش‌های حاکم بر تحولات مکانی جمعیت نیز تاثیر بسزایی داشته است. یکی از شاخص‌های مورد استفاده در مباحث جمعیتی برای سنجش گرایش‌های کلی تحولات جمعیتی و تبیین مراکز اصلی رشد جمعیت، ضریب جذب جمعیتی می‌باشد، این ضریب بیانگر قدرت جذب جمعیتی شهرستان مورد نظر در دوره زمانی مورد بررسی می‌باشد. در این بررسی دوره مورد نظر دهه اخیر (۹۰-۱۳۸۵) در نظر گرفته شده، و نتایج حاصل از این محاسبه به تفکیک هر شهرستان نشان داده شده است. براساس این شاخص شهرستان‌هایی که دارای ضریب جذب زیر یک هستند معمولاً در تحولات استانی جمعیت در سهم پایین تری از میانگین تحولات برخوردار بوده و به مفهوم کاهش سهم جمعیتی مناطق مزبور طی سال‌های آتی می‌باشد. نتایج عبارتند از:

- شهرستان‌هایی که دارای ضریب جذب جمعیتی زیر یک می‌باشند: شهرستان زرنند، سیرجان، راور، کرمان، قلعه گنج و بقیه شهرستان‌ها به دلیل کاهش جمعیتشان در این دوره ضریب جذب منفی داشته‌اند.

- شهرستان‌هایی که دارای ضریب جذب جمعیتی بالاتر از یک می‌باشند: شهرستان جیرفت و رودبار
بررسی نتایج حکایت از آن دارد که بالاترین ضریب جذب جمعیتی متعلق به شهرستان‌های جنوبی و عمدتاً محروم استان می‌باشند که عمده‌ترین ویژگی آنها در اغلب موارد محرومیت و جدید التاسیس بودن آنها می‌باشد.

در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ نیز نرخ رشد جمعیتی کشور به طور متوسط ۱/۳۲ درصد در هر سال بیان شده که در مقایسه با نرخ رشد جمعیتی استان به میزان ۲/۱۶ درصد در هر سال حکایت از بالاتر بودن نرخ رشد جمعیت استان کرمان در مقایسه با متوسط کشور دارد. در دهه ۸۵-۱۳۷۵ نیز نرخ رشد جمعیتی کشور به طور متوسط ۱/۶۱ درصد در هر سال بیان شده که در مقایسه با نرخ رشد جمعیتی استان به میزان ۲/۸۴ درصد در هر سال حکایت از بالاتر بودن نرخ رشد

جمعیت استان کرمان در مقایسه با متوسط کشور دارد. نرخ رشد متوسط جمعیت استان طی دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر با ۲/۱۳ درصد بوده که در مقایسه با نرخ ۱/۹۶ درصدی کشور در این دوره در سطح بالاتری قرار دارد، بررسی میزان مهاجرت به استان و مهاجرت از استان نشان دهنده آن است که تاثیر این پدیده به طور خالص بر افزایش جمعیت استان ناچیز می باشد، لذا بالا بودن نرخ رشد نسبی جمعیت استان در این دهه در مقایسه با کشور حکایت از بالاتر نمودن نرخ رشد طبیعی جمعیت در این دهه می باشد.

نسبت جنسی استان در سال ۱۳۶۵ برابر ۱۰۲/۷ بوده است که در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۲/۴ نفر، در سال ۱۳۸۵ به ۱۰۴/۳ نفر و در سال ۱۳۹۰ به ۱۰۱/۸ نفر مرد در مقابل هر ۱۰۰ زن کاهش یافته است. بررسی نسبت جنسی در سطح هر یک از شهرستان ها گویای آن است که وضعیت متفاوتی در این شاخص در هر یک از شهرستانها دیده می شود. شهرستان بافت در سال ۱۳۶۵ دارای نسبت جنسی ۱۰۲ بوده اما دارای نسبت جنسی زیر ۱۰۰ در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ می باشد که با توجه به دیگر عوامل اقتصادی و اجتماعی می توان اظهار داشت این مسئله به علت مهاجرت بیشتر مردان در مقایسه با زنان و در نتیجه پایین بودن نسبت جنسی در این شهرستان می باشد. بعلاوه مهاجرت بیشتر مردان در مقایسه با زنان و در نتیجه پایین بودن نسبت جنسی در این شهرستان می باشد.

دیگر شهرستان هایی که دارای این وضعیت می باشند، می توان به ارزوئیه، رابر، راور، رودبار جنوب، ریگان، زرنند در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰، شهر بابک در سال ۱۳۷۵، عنبر آباد، فاریاب، فهرج، قلعه گنج، کوهبنان در سال ۱۳۷۵ و کهنوج در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰، منوجان در سال ۱۳۹۰ اشاره نمود. همان گونه که بیان گردید اصلی ترین عامل در پایین بودن نسبت جنسی این مناطق مهاجرت نسبی بالاتر مردان در مقایسه با زنان از این شهرستان ها می باشد. شهرستان هایی که از وضعیت نسبی برابری بین زنان و مردان برخوردارند، می توان به راور، زرنند، کوهبنان و منوجان اشاره نمود.

شهرستان هایی که دارای نسبت جنسی بالاتری در مقایسه با شهرستان های فوق الذکر می باشند نیز می توان انار در سال ۱۳۹۰، بردسیر، بم، جیرفت، رفسنجان، زرنند در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵، سیرجان، شهر بابک، کرمان و کهنوج در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ و نورماشیر را نام برد. بررسی نسبت جنسی و وضعیت اقتصادی اجتماعی شهرستان های نشان دهنده آن است که این مناطق به دلیل وجود فعالیت های ویژه، متقاضی کار مردان بصورت نیروی کار یدی می باشند و از قدرت جذب مردان مهاجر از دیگر مناطق استان، کشور و حتی خارج از کشور (افاغنه) برخوردارند.

مطالعه ساختار سنی و تحولات آن در هر یک از شهرستان های استان نشان می دهد در گروه های سنی بزرگ، درصد جمعیت ۱۴-۰ ساله از ۴۷.۹۳ درصد در سال ۶۵ به ۴۲.۲۴ درصد در سال ۷۵، ۲۸.۳۲ درصد در سال ۸۵ و ۲۶.۷ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش داشته است. کاهش جمعیت جوان حاکی از آن است که باروری در استان کنترل شده و کاهش یافته و این در حالی است که جمعیت فعال ۶۴-۱۵ ساله از ۴۷.۷۶ درصد در سال ۶۵ به ۵۳.۴۷ درصد در سال ۷۵، ۶۶.۹۸ درصد در سال ۸۵ و ۶۸.۴ درصد در سال ۱۳۹۰ در حال افزایش بوده است و نیز جمعیت سالخورده از ۳.۳۱ درصد در سال ۶۵ به ۴.۲۹ درصد در سال ۷۵، ۴.۷۱ درصد در سال ۸۵ و ۴.۸ درصد در سال ۱۳۹۰ روند افزایشی داشته است. مقایسه جمعیت گروه های سنی بزرگ کشور و استان در سال ۱۳۹۰ نشان می دهد که درصد جمعیت جوان (۱۴-۰) استان از کل کشور بیشتر است اما جمعیت فعال (۱۵-۶۴) و جمعیت سالخورده (۶۵ ساله و بیشتر) کل کشور از استان بیشتر نشان می دهد.

شهرستان ارزوئیه بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۴۱۹۷۹ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۱۷.۹۹ درصد، جمعیت روستا نشین ۸۲ درصد و جمعیت غیر ساکن حدود ۰.۰۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۸۵ و جمعیت زنان ۵۰.۱۵ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. شهرستان بافت بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۷۵۹۴۰ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۴۸.۹ درصد، جمعیت روستا نشین ۴۹.۸۷ درصد و جمعیت غیر ساکن ۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۸۳ درصد و جمعیت زنان ۵۰.۱۷ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان بافت در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر ۰.۷ درصد، در دهه ۸۵-۱۳۷۵ به ۱.۶۶ درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۹.۵۲- رسیده است.

شهرستان بردسیر بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۷۳۷۳۸ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۵۹.۶ درصد، جمعیت روستانشین ۳۷.۵۲ درصد و جمعیت غیر ساکن ۲.۸۸ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۰.۶۹ درصد و جمعیت زنان ۴۹.۳۱ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان بردسیر در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر ۱.۲۱ درصد بوده است در دهه ۸۵-۱۳۷۵ به درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۳.۴۷- درصد رسیده است.

شهرستان بم بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۱۹۵۶۰۳ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین درصد، جمعیت روستانشین درصد و جمعیت غیر ساکن درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۰.۴۴

درصد و جمعیت زنان ۴۹.۵۶ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان بم در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر ۱.۲۱ درصد، در دهه ۸۵-۱۳۷۵ به درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۶.۱۴- درصد رسیده است.

شهرستان جیرفت بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۲۷۷۷۴۸ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۴۳.۹۲ درصد، جمعیت روستانشین ۵۶.۰۷ درصد و جمعیت غیر ساکن ۰.۰۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۰.۷۱ و جمعیت زنان ۴۹.۲۹ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان جیرفت در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر منفی ۲.۸ درصد، در دهه ۸۵-۱۳۷۵ به ۳.۶۳ درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۶۱.۹ درصد رسیده است.

شهرستان رابر بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۳۴۳۹۲ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشینی ۲۳.۸۹ درصد، جمعیت روستانشین ۶۴.۵۶ درصد و جمعیت غیر ساکن حدود ۱۱.۵۵ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۸.۵۷ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند.

شهرستان راور بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ دارای ۴۰۲۹۵ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۶۱.۷ درصد و جمعیت روستانشین ۳۸.۳ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۶۵ درصد و جمعیت زنان ۵۰.۳۵ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان راور در دهه ۹۰-۱۳۸۵ حدود ۰.۴۲ درصد بوده است.

شهرستان رفسنجان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۲۸۷۹۲۱ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۵۹.۴۶ درصد، جمعیت روستانشین ۳۹.۹۸ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۱.۰۴ و جمعیت زنان ۴۸.۹۶ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان رفسنجان در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر ۲.۹۹ درصد، در دهه ۸۵-۱۳۷۵، ۲.۱ درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۰.۴۹- درصد رسیده است.

شهرستان رودبار جنوب بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۱۰۴۴۲۱ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۱۱.۷ درصد، جمعیت روستانشین ۸۸.۲۹ درصد و ۰.۰۱ درصد جمعیت غیر ساکن این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۶۰ و جمعیت زنان ۵۰.۴۰ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان رودبار جنوب در دهه ۹۰-۱۳۸۵ برابر با ۳.۸۴ درصد بوده است.

شهرستان ریگان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۶۶۳۳۵ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشینی ۱۴.۵۶ درصد، جمعیت روستا نشین ۸۵.۴۳ درصد و جمعیت غیر ساکن حدود ۰.۰۷ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان برابر با ۴۹.۴۵ درصد و جمعیت زنان ۵۰.۵۵ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. شهرستان زرنند بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۱۲۹۱۰۴ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۵۴.۳۲ درصد، جمعیت روستا نشین ۴۵.۶۸ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۵.۶۸ درصد و جمعیت زنان ۵۰.۴ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان زرنند در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر ۱.۶ درصد منفی در دهه ۸۵-۱۳۷۵ برابر با ۱.۱۲ درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۱.۳۷ درصد رسیده است.

شهرستان سیرجان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۲۰۸۰۳۳ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۷۷.۷۱ درصد، جمعیت روستا نشین ۲۲.۲۸ درصد و جمعیت غیر ساکن ۰.۰۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۱.۲۹ و جمعیت زنان ۴۸.۷۱ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان سیرجان در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر ۲.۲۲ درصد، در دهه ۸۵-۱۳۷۵ برابر با درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۱.۷۸ رسیده است.

شهرستان شهربابک بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۹۰۴۹۵ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۷۱.۱۹ درصد، جمعیت روستا نشین ۲۸.۸ درصد و جمعیت غیر ساکن ۰.۰۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۰.۹۴ و جمعیت زنان ۴۹.۰۶ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان شهربابک در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر ۱.۱۵ درصد، در دهه ۸۵-۱۳۷۵ برابر با ۵.۲۲ درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۲.۳۵- درصد رسیده است.

شهرستان عنبرآباد بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۸۵۹۴۲ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۲۹.۵۵ درصد، جمعیت روستا نشین ۷۰.۴۵ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۷۹ و جمعیت زنان ۵۰.۲۱ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان عنبرآباد در دهه ۹۰-۱۳۸۵ برابر با ۵.۰۴- درصد بوده است.

شهرستان فاریاب بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۳۴۴۱۷ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشینی ۱۷.۵ درصد، جمعیت روستا نشین ۸۲.۴۹ درصد و جمعیت غیر ساکن حدود ۰.۰۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۶۹ درصد و جمعیت زنان ۵۰.۳۱ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند.

شهرستان فهرج بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۶۸۰۳۸ نفر جمعیت می باشد. این شهرستان در حال حاضر دارای ۱ شهر، ۲ بخش و ۴ دهستان می باشد. جمعیت شهرنشینی ۱۷.۵۴ درصد، جمعیت روستا نشین ۸۱.۲۶ درصد و جمعیت غیر ساکن حدود ۱.۲ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۷۳ جمعیت زنان ۵۰.۲۷ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند.

شهرستان قلعه گنج بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۷۶۳۷۶ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین استان ۱۶.۵۷ درصد، جمعیت روستا نشین ۸۳.۴۲ درصد این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۲۴ و جمعیت زنان ۵۰.۷۶ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان قلعه گنج در دهه ۹۰-۱۳۸۵ برابر با ۱.۷۳ درصد بوده است.

شهرستان کرمان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۷۲۲۴۸۴ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۸۶ درصد، جمعیت روستانشین ۱۳.۹۹ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۰.۴۵ و جمعیت زنان ۴۹.۵۵ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان کرمان در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر ۲.۷۶ درصد، در دهه ۸۵-۱۳۷۵ برابر با ۲.۲۹ درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۱.۳۲ رسیده است.

شهرستان کوهبنان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۲۱۷۲۱ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۷۶.۶۴ درصد، جمعیت روستا نشین ۲۳.۳۵ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۰.۳۳ و جمعیت زنان ۴۹.۶۷ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان کوهبنان در دهه ۹۰-۱۳۸۵ برابر ۲.۵۴- درصد بوده است.

شهرستان کهنوج بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۸۶۲۹۰ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۵۰.۹۶ درصد، جمعیت روستا نشین ۴۹.۰۳ درصد و جمعیت غیر ساکن ۰.۰۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۷۸ درصد و جمعیت زنان ۵۰.۲۲ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان کهنوج در دهه ۷۵-۱۳۶۵ برابر منفی ۳.۵۹- درصد بوده است و این رشد منفی به دلیل تفکیک شهرستان کهنوج بوده است، در دهه ۸۵-۱۳۷۵ به ۵.۲۴ درصد و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به رسیده است.

شهرستان منوجان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۶۴۵۲۸ نفر جمعیت می باشد. جمعیت شهرنشین ۳۰.۳۲ درصد، جمعیت روستا نشین ۶۹.۶۷ درصد و جمعیت غیر ساکن ۰.۰۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۴۹.۷۵ و جمعیت زنان ۵۰.۲۵ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. متوسط رشد سالانه جمعیت کل شهرستان منوجان در دهه ۹۰-۱۳۸۵ برابر با ۰.۲۱ درصد بوده است.

شهرستان نرماشیر بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۵۸۲۲۹ نفر جمعیت می باشد جمعیت شهرنشینی ۱۴.۱۱ درصد، جمعیت روستا نشین ۸۵.۸۹ درصد و جمعیت غیر ساکن حدود ۰.۰۱ درصد کل جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند. جمعیت مردان ۵۲.۳۴ درصد و جمعیت زنان ۴۷.۶۶ درصد از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند.

بعد متوسط خانوار کشور (متوسط افراد در خانوار) براساس سرشماری های انجام گرفته در سال ۱۳۵۵ برابر ۵/۲، سال ۱۳۶۵ برابر ۵/۵، سال ۱۳۷۵ برابر ۵/۲، سال ۱۳۸۵ برابر ۴/۳۶ و در سال ۱۳۹۰ برابر با ۳.۵۵ بوده است. تنزل بعد متوسط خانوار در ایران از سال ۱۳۷۰ به بعد به احتمال قوی یکی از نتایج عملکرد برنامه تنظیم خانواده است.

نرخ رشد کلی استان کرمان بر اساس نتایج حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن طی سال های ۹۰-۱۳۸۵ به طور متوسط سالانه برابر با ۲/۱۶ درصد می باشد. بررسی وضعیت نرخ رشد جمعیت در مناطق جنوبی استان حکایت از نرخ رشد بالای جمعیت در این مناطق دارد. موقعیت استان کرمان به لحاظ وضعیت خالص مهاجرت در مقایسه با دیگر استان های کشور طی سال های ۹۰-۱۳۸۵ نشان می دهد، که از قدرت جذب بالاتر جمعیت از خارج از استان، برخوردار می باشد. نرخ رشد طبیعی جمعیت استان به طور متوسط طی سال های ۹۰-۱۳۸۵ در هر یک از شهرستان های استان با واقعیت استان همخوانی بیشتری دارد و به واسطه خالص مهاجرت، استان در سطح بالاتری از نرخ رشد کلی جمعیت قرار دارد.

۱-۲-۷-۲-نظام شهری استان

بررسی آماری در سه دوره سرشماری ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می دهد که تعداد شهرهای استان همواره روندی صعودی (هر چند با نوسان) داشته است. این روند در شهرستان های کرمان، سیرجان، شهر بابک، زرنند و رفسنجان افزایش داشته و در شهرستان های کهنوج، بافت و بم تغییری در تعداد شهر ها حاصل نشده است. برای مقایسه روند تغییرات سهم شهرنشینی استان و کشور از شاخص شتاب شهرنشینی استفاده شده است. این شاخص در کشور در دهه ۷۵-۱۳۶۵ معادل ۱/۵ و در دهه ۸۵-۷۵ معادل ۱/۹ و در بین سال های ۹۰-۸۵ معادل ۱/۸ بوده است، در حالی که شتاب شهرنشینی استان در دهه ۷۵-۱۳۶۵ معادل ۱/۷ و در دهه بعدی به ۱/۱ و طی سالهای ۸۵-۹۰ به ۰/۴- رسیده است. این شاخص در دهه ۶۵-۷۵ در شهر ستان سیرجان و در بین سالهای ۹۰-۸۵ در شهر ستان بم در بیشترین مقدار خود قرار داشته است.

نرخ رشد جمعیت شهری کشور در دهه ۶۵-۷۵ معادل ۳/۲۱ و در دهه ۷۵-۸۵ معادل ۲/۷۴ و بین سالهای ۹۰-۸۵ معادل ۲/۱۴ درصد بوده است. در حالیکه نرخ رشد جمعیت شهری استان کرمان در دهه ۶۵-۷۵ برابر ۴/۲۵ درصد و در دهه ۸۵-۷۵ معادل ۳/۸۸ درصد بوده و این رقم بین سالهای ۹۰-۸۵ معادل ۰/۸۵ رسیده است. شایان ذکر است شهر ستان کهنوج در دهه ۶۵-۷۵ در و شهر ستان رودبار بین سالهای ۹۰-۸۵ بیشترین مقدار نرخ رشد را در میان سایر شهر ستانها داشته اند.

شهرهای کرمان، سیرجان، رفسنجان، جیرفت و بم در سرشماری سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و در مقیاس استانی جزء شهر های بزرگ به حساب می آیند. هر چند به غیر از کرمان در مقیاس ملی جزو شهرهای میانی محسوب می گردند. شهر کرمان بزرگترین شهر در طی این چهار دوره به شمار می رود. شهر سیرجان که بزرگترین شهر گروه شهرهای متوسط در سال ۱۳۶۵ بوده است، در سال ۱۳۷۵ به این گروه ارتقاء پیدا کرده و همواره به عنوان دومین شهر بزرگ استان شناخته شده است، شایان ذکر است شهر رفسنجان نیز که بزرگترین شهر گروه شهر های متوسط در سال ۱۳۷۵ بود، بعد سال ۱۳۸۵ با ارتقاء به گروه شهر های بزرگ همواره در رتبه سوم این گروه قرار داشته و دو شهر جیرفت و بم نیز در دوره بعد با افزایش جمعیت خود، به این گروه پیوسته اند و رتبه چهارم و پنجم را بین سالهای ۹۰-۸۵ داشته اند. شهر های این رده از سال ۱۳۷۵ به بعد همواره بیش از نیمی از جمعیت شهری استان را در خود جای داده اند.

در گروه شهر های کوچک در سال ۱۳۶۵ شهر بابک و طی سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ راور شهر های اول گروه بوده اند، شایان ذکر است شهر شهر بابک با افزایش جمعیت در سرشماری ۱۳۷۵، به گروه شهر ای متوسط ارتقا یافت و در سال ۱۳۹۰ نیز در همین گروه قرار گرفت.

بررسی مطالعات نشان می دهد در گروه روستا- شهر ها، شهر کهنوج در سال ۱۳۶۵ بزرگترین شهر مذکور بوده است و در سال ۱۳۷۵ این شهر با روند افزایش جمعیت، به گروه بالاتر یا همان شهر های کوچک انتقال یافت. در سرشماری سال ۱۳۷۵ شهر رابر، در سال ۱۳۸۵ شهر راین و سال ۱۳۹۰ شهر محمد آباد به عنوان شهر اول گروه روستا-شهر شناخته شده اند. شایان ذکر است شهر های رابر و راین با روند افزایش جمعیت، در سال های ۸۵ و ۹۰ به گروه شهر های کوچک ارتقاء یافته اند. شهرهای این گروه هر چند به لحاظ تعداد بسیار قابل توجه اند و لیکن تنها ۱۲/۶ درصد جمعیت شهری استان را در خود جای داده اند.

۱-۲-۷-۳-نظام روستانشینی و عشایری استان

نرخ روستانشینی و شهرنشینی در استان کرمان به تبعیت از کشور از رشد متفاوتی برخوردار بوده است، و به تبع از الگوی رشد جمعیتی در کشور در استان نیز روستانشینی با کاهش رشد و شهرنشینی با رشد فزاینده ای همراه بوده است. در طی سال های ۹۰-۱۳۵۵ جمعیت استان حدود ۲/۶ برابر شده در حالیکه جمعیت شهری استان حدود ۴/۸ برابر شده یعنی از ۳۵۰۷۸۸ نفر به ۱۶۸۹۸۴۲ نفر افزایش یافته که در مقایسه با رشد جمعیت استان نزدیک به دو برابر (۱/۸) می باشد. در همین مدت جمعیت روستایی از ۶۸۴۹۱۰ نفر به ۱۲۴۲۳۴۴ نفر افزایش یافته که رشد بسیار اندکی را نشان می دهد. در همین دوره به جمعیت شهری بیش از ۱/۳ میلیون نفر افزوده شده در حالیکه به جمعیت روستایی فقط ۵۵۷۴۳۴ نفر افزوده شده که خود بیانگر رشد سریع جمعیت شهری و رشد آرام جمعیت روستایی است. درصد شهرنشینی در سال ۱۳۵۵ برابر با ۳۲/۱ درصد بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۵۷/۴ درصد افزایش یافته یعنی نزدیک به دو برابر شده و جمعیت روستایی در سال ۱۳۵۵، ۶۲/۸ درصد از کل جمعیت بوده که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۴۲/۲ درصد کاهش یافته است. آنچه که می توان نتیجه گرفت این است که رشد جمعیت شهری با سرعت زیاد در حال افزایش بوده، اما جمعیت روستایی افزایشی آرام داشته و نسبت آن به نسبت جمعیت شهری روند کاهشی دارد که در جدول و شکل مشهود است.

نسبت جمعیت شهرنشین و روستانشین در شهرستانهای استان متفاوت می باشد بطوری که در شهرستان کرمان ۸۶.۱ درصد مردم شهرنشین می باشند در مقابل در شهرستان رودبار بیش از ۸۸ درصد مردم روستانشینی می باشند. بر اساس شاخص درصد شهرنشینی شهرستان های کرمان، سیرجان، کوهبنان و ... بالاتر از میانگین به اضافه نیم از انحراف معیار قرار دارند و درصد شهرنشینی و شهرستان های رودبار، نرماشیر، ریگان و ... در سطح پایین شهرنشینی قرار گرفته اند. دسته بندی شهرستان های استان بر اساس شاخص روستانشینی نشان می دهد که شهرستان های نیمه جنوبی استان بیشتر سهم را در روستانشینی استان دارا می باشند و شهرستان های شمالی کمترین سهم روستانشینی را دارند. بنابراین از نظر سهم جمعیت روستایی و شهری در استان عدم تعادل بین شمال و جنوب استان وجود دارد.

در استان کرمان ارتفاعات جبالبارز، بحرآسمان، هزار و لاله زار، ارتفاعات چهارگنبد سیرجان شرایط مطلوب تابستانی برای عشایر ایجاد می کند و دشت جیرفت و کهنوج، سواحل خلیج فارس و مناطق گرمسیر استان هرمزگان شرایط مطلوب زمستانی برای عشایر ایجاد می کند و در نتیجه شرایط برای کوچ نشینی در این بخش از استان فراهم

می شود. مناطق شرقی و شمالی استان به دلیل اینکه فضای بیلاقی و قشلاقی مناسبی ندارند لذا زندگی کوچ نشینی در این مناطق فراهم نشده است. زندگی عشایر دستخوش تغییرات زیادی بوده است. در مقطعی از تاریخ عوامل سیاسی مهمترین عامل تأثیرگذار بوده است. سیاست اسکان اجباری عشایر به مرحله اجرا درآمد و در مقطعی دیگر تحولات صورت گرفته در نظام شهری و روستایی کشور بر نظام عشایری تأثیر گذاشت و آن را دستخوش تغییر نمود. عمیق ترین تأثیر را این شرایط بر زندگی عشایر گذاشت زیرا اصلاحات ارضی و اثرات بعدی آن، مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها، توسعه شهری و شهرنشینی، مزایای سکونت و زندگی در شهر نه تنها جامعه روستایی را به سوی خود جذب نمود بلکه عشایر را نیز به سکونت در شهر ترغیب کرد. برای دست کشیدن از کوچ تنها شرایط اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار نبودند بلکه شرایط محیطی و طبیعی که اساس زندگی کوچ نشینی بر آن نهاده شده نیز تأثیر زیادی داشت. خشکسالی های مکرر افزایش هزینه نگهداری دام، کاهش درآمد عشایر، عدم رغبت نسل جدید عشایر برای ادامه به این شیوه زندگی، حمایت دولت از طرحهای اسکان عشایر، از مهمترین عواملی بودند که زندگی عشایر را به سمت رکود برد. در حال حاضر شرایط رکود بر زندگی عشایر حکمفرماست. روز بروز از تعداد جمعیت عشایر کاسته می شود.

جمعیت کوچ نشین استان کمی بیش از ۲۰۰۰۰ خانوار دارد که جمعیتی در حدود ۱۲۰۰۰۰ نفر را شامل می شود که حدود ۵ درصد از جمعیت استان را تشکیل می دهد. گرچه ۵ درصد، جمعیت بسیار کمی است اما تأثیر گذاری این شیوه سکونت در نظام اجتماعی - ساختار اقتصادی و فرهنگی استان بسیار زیاد است. بطوری که به عنوان یک نظام سکونت گاهی همواره مطرح است.

مسیر کوچ عشایر استان کرمان عمدتاً از نوع کوچ بلند بوده و بیلاق و قشلاق عشایر فاصله زیادی از هم دارند، به عبارت دیگر، علاوه بر اینکه عشایر استان کوچ بلند دارند کوچ آنها از نوع عمودی می باشد و به عبارتی اختلاف ارتفاع بین بیلاق و قشلاق عشایر زیاد است.

۱-۲-۷-۴- وضعیت فرهنگی استان

یکی از ویژگی‌های دیر پای فرهنگ کرمان بر اساس مطالعات پیش گفته، پذیرش سایر گروه‌های اجتماعی، قومی و مذهبی می‌باشد. فرهنگ پذیرندگی یکی از عوامل مهم تغییر اجتماعی محسوب می‌شود، البته باید توجه داشت که این پذیرندگی با توجه به ماهیت و درجه پیشرفت گروه‌های اجتماعی مورد پذیرش اهمیت می‌یابد. کرمان به علت دور افتادگی جغرافیایی و سیاسی مجبور به گسترش فرهنگ پذیرندگی و مسالمت جویی با گروه‌های اجتماعی مختلف بوده اما در عین حال گونه‌ای مقاومت در برابر تغییر در مردمان این ناحیه دیده می‌شود. در واقع جمع شدن این دو ویژگی در کنار یکدیگر معایب و محاسنی دارد.

تحلیل شاخص‌های کلان توسعه فرهنگی در سال ۱۳۹۴ نشان داد وضعیت این شاخص‌ها روند رو به رشدی داشته‌اند و اکثر این شاخص‌ها بهبود داشته‌اند. عناوین روزنامه‌ها و مجلات محلی در طی سالهای ۸۹ تا ۹۲ رشدی معادل ۰.۴ درصد داشته‌اند و تیراژ روزنامه و مجله در همین دوره زمانی ۱.۸ و ۰.۴ درصد رشد داشته‌است. از سوی دیگر نرخ رشد چاپخانه‌های استان در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۹، ۰.۳۱ درصد بوده‌است. این رقم برای سالهای ۹۱ تا ۹۲، ۰.۱۶ درصد بوده‌است. شهرستان کرمان با داشتن ۷۹ چاپخانه بیشترین تعداد چاپخانه‌ها را به خود اختصاص داده‌است. از سوی دیگر در شهرستان‌های راور، ریگان، فاریاب، فهرج، کوهبنان و نرماشیر هیچ چاپخانه دولتی یا خصوصی وجود ندارد. در مجموع می‌توان گفت رشد مثبت شاخص‌های انتشار روزنامه و مجله محلی قابل توجه است و این واقعیت به این امر ناظر است که استان کرمان از نظر منابع تولید و انتشار اطلاعات در بین مردم پتانسیل خوبی دارد. سرمایه‌گذاری روی این پتانسیل‌ها رویکرد مناسبی در جهت توسعه فرهنگی استان محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر محدودیت‌های چاپ در استان تقریباً قابل توجه است. همچنان که مشاهده می‌شود اکثر مناطق جنوبی استان فاقد امکانات کامل یا مناسب چاپ می‌باشند که این مسئله نشانگر ضعف زیرساخت‌های فرهنگی در این منطقه می‌باشد. همچنان که قابل پیش‌بینی بود بیشترین امکانات چاپ در مرکز استان تمرکز یافته‌است. این واقعیت تأکید مجددی است بر تمرکز امکانات فرهنگی در مرکز استان و عدم بهره‌مندی اکثر نقاط استان از امکانات موجود.

تعداد کتابخانه و کتاب‌های موجود در آن در کلیه سالهای مورد بررسی ۹۲-۱۳۸۹ روند افزایشی داشته‌است. این فرایند یکی از ویژگی‌های مثبت استان است که باعث افزایش و رشد فرهنگ مطالعه بی‌مردم می‌شود و از این طریق تغییرات در ارزش‌ها و باورها راحت‌تر اتفاق می‌افتد. کمترین تعداد کتابخانه‌های عمومی عمدتاً در مناطق جنوبی

استان قرار دارند. شهرستان های فاریاب، قلعه گنج، کهنوج و نورماشیر دارای یک کتابخانه و فاقد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستند که شاخصی برای کم رشدی فرهنگی این مناطق تلقی می شود.

نرخ رشد تعداد اعضای کتابخانه های عمومی در فاصله سال های ۹۲-۹۱ برابر ۱.۲ درصد کاهش داشته است. نرخ رشد تعداد مراجعه کنندگان به کتابخانه ها بین سال های مذکور ۷.۲ درصد بوده است. کلیه شاخص های فوق نشان می دهند که وضعیت کتابخوانی در استان نامطلوب نیست و می توان به آن امیدوار بود اما در برابر مشاهده می شود که شاخص نرخ رشد تعداد اعضای کتابخانه های عمومی در سال های ۹۱ تا ۹۲ کاهش یافته است که نشانه کاهش تمایل کودکان و نوجوانان به مطالعه و احیانا روآوری آنها به سایر وسایل در زمان اوقات فراغت می باشد. این مسئله می تواند هشدار جدی برای برنامه ریزان فرهنگی تلقی شود.

تعداد نمایشگاه کتاب در سال ۸۹ تا ۹۰ روند افزایشی و در سال ۹۱ تا ۹۲ روند کاهشی داشته است. تعداد نمایشگاه های برگزار شده در استان در حوزه غیر از کتاب و نیز تعداد بازدید کنندگان آن ها در سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰ روند افزایشی چشمگیری داشته است. این روند افزایشی در سال ۹۱ تا ۹۲ نیز ادامه داشته است. بیشترین تعداد نمایشگاه کتاب و غیره و نیز بیشترین بازدید کنندگان مربوط به شهرستان کرمان می باشد.

در کل استان در سال ۹۲، ۱۱۲۶۰۰ نفر عضو کتابخانه های عمومی و ۴۱۱۸۵ نفر عضو کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده اند و ۱۳۱۶۸۷۸ جلد کتاب در این کتابخانه ها وجود داشته است. در این بین متأسفانه اکثر مناطق جنوبی استان و برخی مناطق شمالی کمترین سهم را به خود اختصاص داده اند. شهرستانهای ارزوئیه، انار، راور، رفسنجان، رودبار جنوب، ریگان، عنبرآباد، زرنند، فاریاب، فهرج، قلعه گنج، کوهبنان، کهنوج، منوجان و نورماشیر همگی زیر پنج هزار نفر عضو کتابخانه داشته اند. با توجه به اهمیت کتاب و کتابخوانی در تغییر فرهنگی واضح است که مجموعه کتابخانه، عضویت در کتابخانه و استفاده از کتاب ها باید به طور جدی مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد. در سال ۹۲ بیشترین تعداد کتابخانه و کتاب در تمام موارد مربوط به شهرستان کرمان بوده است با ۲۹ کتابخانه عمومی و ۳۷۴۵۲۷ کتاب. همان طور که مشاهده می شود شهرستان های سیرجان و رفسنجان بعد از کرمان بیشترین تعداد کتابخانه و شهرستان های فاریاب، قلعه گنج، کهنوج و نورماشیر دارای یک کتابخانه و فاقد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستند.

نرخ رشد مساجد بین سال های ۹۱ تا ۹۲ معادل ۰.۰۱- درصد محاسبه شده است این شاخص برای کل اماکن مذهبی ۰.۰ درصد برآورد شده است. اگر چه این شاخص ها بالا نیستند اما با توجه به تعداد پایه اماکن مذهبی می توان گفت که این شاخص وضعیت نسبتا خوبی را نشان می دهد. از بین اماکن مذهبی تنها مسجد نرخ رشد کاهشی داشته است. و بیشترین تعداد اماکن متبرکه اسلامی، مسجد و تکیه و حسینیه در سال ۹۲ مربوط به شهرستان کرمان می باشد. شهرستان های فاریاب، کهنوج و نورماشیر فاقد اماکن متبرکه می باشند. اماکن مذهبی اقلیت ها فقط در شهرستان کرمان وجود دارد.

تعداد کل سینما ها در استان کرمان در سال ۸۵۱۳، چهارده سینما بوده که در سال ۱۳۸۶ این تعداد به ۵ سینما و در سال ۱۳۹۲ به ۷ سینما می رسد. با تعطیل شدن سینماهای نیمه فعال تعداد سینماهای استان به ۷ سینما در کرمان، رفسنجان، شهربابک و سیرجان تقلیل پیدا کرده است. اما تعداد تماشاچیان سینما در همین دوره زمانی ۴.۴- درصد رشد منفی داشته است. رشد منفی شاخص های مربوط به سینما هماهنگ با کل کشور است و پیامد طبیعی تغییرات فرهنگی و جایگزینی سینما با پدیده های فرهنگی جدید تری نظیر دی وی دی، ماهواره، اینترنت و بازی های کامپیوتری می باشد. در واقع به نظر می رسد شاخص سینما و استفاده از سینما امروزه به تنهایی نمی تواند یکی از شاخص های اصلی توسعه فرهنگی محسوب شود.

یافته ها نشان می دهد تعداد سالن های نمایشی در زمینه اجرای برنامه های تئاتر و موسیقی برابر با ۲۵.۹ درصد رشد داشته است که نشانه رونق اینگونه برنامه ها در استان است. اما به لحاظ گنجایش ۱۴/۸ درصد کاهش را تجربه کرده است. تعداد تماشاگران و اجرا در زمینه تئاتر و موسیقی در فاصله سالهای ۸۹ تا ۹۲ روند افزایشی داشته است. در سال ۹۲ تعداد سالن و نمایش در شهرستان کرمان بیشترین تعداد را داشته است در حالی که از نظر تعداد اجرای تئاتر رفسنجان و از نظر تعداد اجرای موسیقی شهربابک بیشترین موارد را داشته اند. از نظر تعداد تماشاچیان تئاتر شهرستان رفسنجان و تعداد تماشاچیان موسیقی شهرستان جیرفت بیشترین موارد را در سال گذشته داشته اند. شهرستان های فاریاب، ریگان، کوهبنان، ارزوئیه و رابر در سال ۹۲ پایین ترین میزان در موارد مذکور بوده اند. اجرای اینگونه برنامه ها نه تنها به پر کردن اوقات فراغت اعضای جامعه کمک می کند بلکه به ارتقای فرهنگی اعضای جامعه و تغییر مثبت عناصر غیرمادی فرهنگ کمک می کند. وجود چنین مکان هایی به صورت غیر مستقیم به افزایش سطح سرمایه فرهنگی در بین اعضای جامعه کمک می کند.

نرخ رشد تولید برنامه های صدا و برنامه های سیمای مرکز کرمان از سال ۸۹ تا ۹۰ به ترتیب ۰.۰۲- و از سال ۹۱ تا ۹۲، ۰.۰۳ درصد می باشد. پخش جمع، اخبار و برنامه از صدای استانی طی سال های ۸۹ تا ۹۰ رشدی نداشته، بطوریکه رشد این برنامه ها در این سال صفر بوده است. پخش میان برنامه و جمع برنامه ها در سال ۹۱ تا ۹۲ روند افزایشی بوده است، اما مدت پخش اخبار در این سال روند کاهشی داشته است. مدت پخش پیام های بازرگانی نیز در طول سال های ۸۹ تا ۹۲ روند کاهشی داشته است. تولیدات محلی علاوه بر اینکه نشان می دهد زیر ساختهای تولید برنامه های صدا و سیما در مرکز استان بهبود یافته است، نشان می دهد که تولید کنندگان محلی می توانند با اتکا به نیازها و ویژگی های فرهنگی اهالی استان کرمان برای آنها برنامه تولید نمایند که این مسئله در بهبود باورها و ارزشهای محلی نقش مهمی به عهده دارد.

در ضمن در سال ۹۰-۱۳۸۹ بازدید از ارگ راین و گنبد جلیه روند کاهشی و سایر موارد موزه ها روند افزایشی داشته است. در سال ۱۳۹۲ بازدید از ارگ بم و مسجد روند افزایشی بسیاری داشته است زیرا که بعد از زلزله بم بازدید کننده ای نداشته است. در همین زمان بازدید از موزه مردم شناسی، موزه سکه، گنبد جلیه و باغ شاهزاده منفی بوده است.

همانگونه که در تحلیل شاخص های کلان توسعه فرهنگی مشاهده شد وضعیت این شاخص ها در طی سه سال اخیر روند رو به رشدی داشته اند و اکثر این شاخص ها بهبود داشته اند.

بر مبنای نتایج پژوهش می توان اظهار داشت که افراد، غالب اوقاتی که وقت آزاد دارند و می تواند وقت خود را آنطور که می خواهند بگذرانند را به فعالیت هایی از قبیل تماشای تلویزیون (۵۶ درصد)، دید و بازدید، گردش و تفریح (۴۸ درصد)، فعالیت های ورزشی و مطالعه کتاب و روزنامه (۳۵ درصد) می پردازند. با توجه به این که انجام فعالیت هایی از قبیل رفتن به سینما، بازدید از مراکز تاریخی و بازی از جمله فعالیت هایی هستند که در این زمان از سوی افراد بسیار کمتر نسبت به سایر فعالیت ها انتخاب می شوند.

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول عواملی که باعث عدم گرایش فرد نسبت به فعالیت های مربوط به اوقات فراغت می شود، غالب دلایلی که باعث مایوس شدن افراد در دست یابی به فعالیت مورد نظرشان می شود، بی پولی (حدود ۴۴ درصد) و نداشتن وقت کافی (حدود ۳۹ درصد) است و تعداد اندکی از پاسخگویان، نبود وسیله و کمبود امکانات را علت این امر می دانند.

به ترتیب حدود ۲۷ و ۲۵ درصد از افراد به میزان خیلی زیاد در زمان اوقات فراغت خود به تماشای تلویزیون داخلی و خارجی می پردازند. ۴۴ و ۵۶ درصد خیلی کم از تلویزیون داخلی و خارجی استفاده می کنند. بیشترین موارد استفاده از تلویزیون، سریال، اخبار و فیلم سینمایی است. با ورود تکنولوژی های جدید مانند حافظه های خارجی مختلف به نظر می رسد استفاده از ویدئو بخصوص در نسل جدید در حال از بین رفتن است. ۲۴/۸ درصد خانواده ها اظهار داشته اند که حداقل یک نفر از اعضای خانواده از ویدئو استفاده می کند. بیشترین مورد استفاده ویدئو برای تماشای فیلم سینمایی و در رتبه بعد موسیقی و کارتون است.

فایل های صوتی و تصویری امروزه از طریق تکنولوژی های جدید نظیر سی دی، دی وی دی، MP۳، MP۴ و ... در دسترس افراد و بخصوص قشر جوان قرار می گیرد. به طوری که دختران نوجوان شهر کرمان عنوان کردند که حدود ۵۳ درصد خیلی زیاد و ۲۸ درصد خیلی کم از این تکنولوژی ها استفاده می کنند

فعالیت مذهبی: ۱۰/۸ درصد در زمان اوقات فراغت خود به فعالیت مذهبی و حدود ۸/۵ درصد به زیارت اماکن مذهبی می روند. ۵۱ درصد از دختران نوجوان خیلی کم و ۴۰ درصد بطور متوسط و ۹ درصد خیلی زیاد به فعالیت های مذهبی مختلف می پردازند.

در مورد فعالیت های هنری و دستی ۱۹ درصد از دختران نوجوان عنوان کردند خیلی زیاد در اوقات فراغت خود به فعالیت هنری می پردازند. ۵۱ درصد خانواده ها ابراز داشته اند که فعالیت هنری یا دستی در خانه شان خیلی کم انجام می شود

شاخص های توسعه فرهنگی و نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدات فرهنگی استان کرمان از دیدگاه کارشناسان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد، وضعیت کنونی فرهنگی مردم کرمان در برخی از شاخص های توسعه در سطح مطلوبی قرار ندارد. کارشناسان معتقدند موانع و عوامل فرهنگی موثر بر توسعه بطور کلی در مردم استان کرمان در حد متوسط است که برای رشد و پیشرفت باید نقاط قوت و عوامل فرهنگی تقویت گردد و نقاط ضعف و موانع فرهنگی کاهش یابد. بررسی شاخص های توسعه از دیدگاه کارشناسان حاکی از آن است عوامل مهمی که به رشد و پیشرفت یک جامعه کمک می کند نظیر روحیه قوی، خودباوری فرهنگی، عدم تعصب فکری، تمایل به نوآوری و یادگیری، میل به پیشرفت، کار گروهی، فرهنگ کار، وقت شناسی، عام گرایی، رفتارهای مناسب اجتماعی در ترافیک و محیط زیست، استقلال، ریسک پذیری، احساس قدرتمندی اجتماعی، سنت گرایی و عدم دنیاگرایی در

مردم استان کرمان در سطح پایین و نامطلوبی قرار دارد. اما عوامل فرهنگی نظیر همکاری، ارزش دادن به علم و هویت کرمانی از سطح بالا و مطلوبی برخوردار است.

بر اساس پژوهش، نقاط قوت فرهنگ استان کرمان از دیدگاه کارشناسان شامل صمیمیت و مهمان نوازی، بی تکلفی و سادگی، مدارای اجتماعی، پابندی به دین و مذهب تشیع، خانواده دوستی، صداقت، استقامت و پایداری، فرهنگ و سنت اصیل، نועدوستی، نجابت و اخلاق نیک، همکاری، گذشت و ایثار، پذیرش غریبه، علاقه به علم و دانش، علاقه به سرمایه گذاری و بهره وری، وحدت، پرورش روح پهلوانی و علاقه و دلبستگی به زادگاه بود. بدون شک توجه به این نقاط قوت در سیاست‌های فرهنگی میتواند از بروز مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی جلوگیری نماید و از آن‌ها در جهت اهداف توسعه به بهترین نحو ممکن استفاده نمود.

نتایج حاصله در خصوص نقاط ضعف استان کرمان در زمینه فرهنگی از دیدگاه کارشناسان نشان داد عدم حق خواهی و گذشت از حق شخصی، راحت طلبی و سستی در کار و تلاش، قانون‌گریزی و بی‌نظمی، انفعال و بی‌توجهی به مسائل شهروندی، عدم آگاهی صحیح دینی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی، فقدان فرهنگ و اخلاق کاری، عدم اعتماد به نفس و خود باوری ضعیف، غریب پرستی و اولویت دادن به غریبه‌ها، بی‌مسئولیتی و ناپایداری در تصمیم‌گیری، فقدان نشاط اجتماعی، دلسردی و بی‌انگیزگی، فرهنگ‌گریزی و فاصله گرفتن از لهجه و گویش اصیل خود، کم‌رویی و ساکت بودن در مواقع لازم، چشم و هم‌چشمی و حسادت، زودباوری و سریع قضاوت کردن، تقدیرگرایی، مطالعه کم، عدم برنامه‌ریزی و تفکر اقتصادی، عدم اطمینان به هم و زیر آب زدن به ترتیب مهم‌ترین نقاط ضعف استان کرمان در زمینه فرهنگی می‌باشند. در حقیقت، استان کرمان در زمینه فرهنگی با نقاط ضعف زیادی روبروست به طوری که در اولویت بندی عوامل درونی، نقاط

کارشناسان در زمینه فرصت‌های موجود برای بهبود وضعیت فرهنگی استان کرمان به موارد زیر اشاره کردند: ۱- تاریخ و هویت گذشته استان کرمان، ۲- بهبود وضعیت اقتصادی، فقرزدایی و توسعه اشتغال و کارآفرینی، ۳- افزایش تحصیلات در اعضای خانواده و شهرستان‌ها، ۴- روحیه مسالمت‌جویی و مدارای فرهنگی، ۵- پابندی‌های اخلاقی و تعهد به ارزش‌های اجتماعی، ۶- توجه به میراث فرهنگی و آثار باستانی، ۷- منابع طبیعی کرمان و تنوع اقلیمی و هوای سالم، ۸- کیفیت برنامه‌های صدا و سیمای استانی و استفاده از تولیدات فرهنگی (نظیر جشنواره‌ها، فیلم، سرود، همایش‌های فرهنگی، نمایشگاه‌های داخلی و خارجی فرهنگی)، ۹- تعجاس نسبی فرهنگی و مذهبی، ۱۰- وجود معادن

و منابع زیرزمینی و کشاورزی، ۱۱- تکثر گرایی فرهنگی و قومی و دینی، ۱۲- نخبگان استانی، علمی، فرهنگی، دینی و روحانیون، ۱۳- ژنتیک فرهنگی (جمعیت باهوش و با استعداد، صبور و کم توقع و...)، ۱۴- وجود رجال سیاسی کرمانی در دستگاه سیاسی کشور و الگو پذیری از آن ها، ۱۵- بکر بودن و بستر پذیرش ایده های نو و تحقیقات علمی، ۱۶- مشارکت پذیری و فعال سازی نهادهای مردمی، ۱۷- ادبیات و غنای فرهنگی کرمان، ۱۸- امکان توریسم وجود مکان- های گردشگری و ۱۹- مراودت با بیرون از استان و تقویت قدرت رقابت. استان کرمان می بایست از فرصت های بیرونی موجود استفاده نموده و با استفاده از آنها در توسعه فرهنگی استان اقدام کند.

یافته ها در خصوص تهدیدهای موجود در استان کرمان در زمینه وضعیت فرهنگی نشان داد که از نظر کارشناسان بیکاری، اشتغال زایی کم و اعتیاد و مواد مخدر در رتبه اول و دوم بعنوان مهم ترین تهدیدات فرهنگی استان کرمان شناخته شدند. همچنین فقر و وضعیت نامطلوب اقتصادی، عدم وجود امکانات فرهنگی و ورزشی مناسب، مهاجرت بی رویه (عزیمت عالمان از استان، مهاجرت از روستا به شهر)، شبکه های اجتماعی، اینترنت، شبکه های ماهواره ای، عدم توجه به حاشیه نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات شهری، عدم توسعه شهری و عدم توجه به کاربرد فرهنگ و زیبایی در ساخت و ساز شهری، موقعیت جغرافیایی استان کرمان، عدم توجه و غفلت مسئولین به اهمیت فرهنگ در برنامه ریزی، ترویج فرهنگ برون مرزی و برون استانی، تأخر فرهنگی، جدی نگرفتن علوم و کسب و کارهای جدید از سوی مردم و مسئولان، رهبران و نخبگان محلی و فرهنگی ضعیف، دوری از مرکزیت سیاسی و اقتصادی، عدم امکانات فراغتی سالم و با کیفیت، مناطق محروم در جنوب استان، جامعه پذیری نامناسب و آموزش ناکارآمد و نفوذ استان های دیگر و همجوار و رقابت در صنایع و محصولات فرهنگی با استان کرمان از جمله تهدیدات فرهنگی استان کرمان می باشند که باید در سیاستگذاری فرهنگی استان مورد توجه قرار گیرد.

پژوهش پیمایشی در مورد عوامل و موانع فرهنگی توسعه در مردم استان کرمان بر اساس ملزومات پانزده گانه فرهنگی توسعه نیز صورت گرفت. نتایج این پژوهش نشان می دهد که افراد مورد بررسی در این پژوهش به لحاظ ویژگی های فرهنگی محرک توسعه وضعیت نسبتا خوبی دارند. ویژگی های فرهنگی مشوق و محرک توسعه و ویژگی های فرهنگی مانع توسعه در استان کرمان در حالت بینابین قرار دارند. برخی ویژگی های مثبت نظیر وقت شناسی، استقلال رای و خود اتکایی، ارزش قایل شدن برای علم احساس قدرتمندی اجتماعی و میل به یادگیری و عقلانیت در وضعیت خوبی قرار دارند. اما در مقابل ویژگی هایی نظیر میل به پیشرفت، تمایل به نوآوری، خودباوری و اعتماد به نفس، میل به دنیا گرایی و پرهیز از تقدیر گرایی در وضعیت مناسب و خوبی قرار نداشتند یا در حالت مرزی و بینابینی قرار گرفته

بودند. به این ترتیب به نظر می رسد هرگونه برنامه ریزی توسعه در این استان بدون در نظر گرفتن ویژگی های فرهنگی و وضعیت نسبی آن در بین مردم بی ثمر یا حداقل مشکل می باشد.

در مورد متغیر خودباوری و اعتماد به نفس باید گفت ۲۵ درصد از آزمودنی ها از خودباوری و اعتماد به نفس پایینی برخوردارند و نزدیک به ۷۵٪ پاسخگویان از نظر شاخص خود باوری و اعتماد به نفس در وضعیت متوسط و خوب قرار داشتند که این پدیده، پدیده ای مثبت و قابل تامل محسوب می شود. در مقابل تنها ۲۵٪ افراد ابراز داشتند که در زندگی خود تمایل به نوآوری و تغییر دارند. این یافته تا حدودی موید بحث قبلی است که در کرمان تمایل به تغییر کم است و وقتی این عنصر فرهنگی با ویژگی فرهنگی پذیرندگی ترکیب می شود در عمل پیامدهای مثبت چندانی به جز حفظ بقا برای اعضای جامعه به دنبال نخواهد داشت. در پاسخ به سنجه های مربوط به شاخص پرهیز از سنت گرایی نیز تا حدودی همین واقعیت فرهنگی عیان می شود. ۲۵٪ پاسخگویان تمایل شدید به حفظ سنتها (خوب و بد) دارند و ۵۰٪ آنها در حد متوسط یا بالا به پرهیز از سنتها باور دارند. به طور کلی با در کنار هم قرار دادن این واقعیت ها می توان گفت که در جامعه مورد مطالعه تمایل به تغییر شیوه های زندگی و عمل در حد بالایی نیست و این واقعیت در جامعه رو به توسعه نمی تواند به عنوان یک نکته مثبت تلقی شود.

میل به یادگیری که یکی از ویژگی های مثبت فرهنگی تلقی می شود در جامعه مورد مطالعه بالاست ۷۵٪ افراد اعلام کرده اند که تمایل زیادی به یادگیری دارند. بر اساس نظریه نوسازی میل به یادگیری و آموختن نکته های جدید زیر بنای میل به تغییر و ایجاد تغییر در عرصه های مختلف زندگی تلقی می شود. بنابر این می توان خوش بین بود که در یک پیوستار زمانی ویژگی مثبت میل به یادگیری محرک میل به تغییر و نوآوری در زمینه های مختلف را ایجاد نماید. میل به پیشرفت و ترقی در جامعه مورد مطالعه در وضعیت مرزی به سر می برد. در واقع نسبت افرادی که این میل در آنها کم است با نسبت افرادی که این میل در آنها زیاد دیده می شود برابری می کند. هر دو گروه نسبت ۲۵٪ را به خود اختصاص داده اند. این وضعیت نشان می دهد که برنامه ریزان فرهنگی هنوز راه درازی برای ایجاد تغییر در پیش رو دارند. در جامعه رو به توسعه فقدان یا کمبود میل و نیاز به پیشرفت و ترقی نکته ای منفی و قابل تامل می باشد. میل به همکاری و تعاون در جامعه مورد مطالعه بسیار بالاست یعنی تقریباً تمام افراد این تمایل فرهنگی را در خود دارند. این ویژگی فرهنگی مثبت جای تامل و بازنگری بالایی دارد چرا که یکی از عناصر مهم برنامه های توسعه جلب همکاری های اجتماعی و مردمی است. فرهنگ سنتی این منطقه خصوصاً با ویژگی دور افتادگی جغرافیایی و شیوه

گذران زندگی سختی که طبیعت برای این مردم رقم زده بود، بر عنصر همکاری و تعاون تاکید می ورزد که جا دارد از این ویژگی به نحو مثبت در برنامه ریزی ها استفاده کرد.

پرهیز از تقدیر گرایی و باور به نقش عاملیت انسان در تغییر وضع اقتصادی، اجتماعی و سیلسی یکی از عناصر مهم توسعه و تمایل به توسعه محسوب می شود. تا زمانی که عنصر تقدیر گرایی به میزان بالا در جامعه وجود داشته باشد برای عملی کردن هر نوع برنامه توسعه و تغییر باید هزینه های زیادی پرداخت. در جامعه مورد مطالعه میزان تقدیر گرایی و میزان پرهیز از تقدیر گرایی در یک حد وجود دارد یعنی یک چهارم افراد کاملا تقدیر گرا و یک چهارم کاملا مخالف تقدیر گرایی هستند. این وضعیت مجددا جامعه را در حالت مرزی فرهنگی قرار می دهد. در چنین شرایطی هر گونه برنامه ریزی، سیاست گذاری و اجرای برنامه های توسعه باید با دقت، وسواس و تامل بسیار زیاد انجام شود.

ویژگی توجه به دنیا و عناصر زندگی دنیوی هم وضعیت مشابهی در جامعه مورد مطالعه دارد یعنی ۲۵٪ به آن معتقد و ۷۵٪ به آن بی اعتقاد هستند. در مقابل ۷۵٪ پاسخگویان ابراز داشته اند که وقت شناسند و برای وقت شناسی اهمیت زیادی قائل هستند. ویژگی های فرهنگی نظیر تمایل به عقلانیت، استقلال رای، ارزش قایل شدن برای علم و عام گرایی در بین پاسخگویان در وضعیت خوبی قرار دارد. این ویژگی ها ویژگی های مثبتی هستند که در برنامه های توسعه باید مورد توجه و بررسی قرار بگیرد. با توجه به نظرات آزمودنی ها مشاهده می شود که نیمی از آزمودنی ها معتقد به بهبود زندگی بشر توسط علم هستند و برای علم و دانش ارزش قایل می شود و ۲۵ درصد نظری خلاف نظر گروه اول داشته اند. همچنین نیمی از آزمودنی ها بیان کرده اند که با افراد و امور بر اساس ویژگی های خاص تعامل نمی کنند. نتایج تلفیق عناصر مثبت و منفی برای توسعه فرهنگی جامعه را نشان می دهد.

ریسک پذیری در بین اعضای جامعه بسیار پایین است یعنی ۷۵٪ آنها یا اصلا ریسک پذیر نیستند یا ریسک پذیری آنها پایین است. این ویژگی در راه توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری های اقتصادی مانع محسوب می شود. یکی از ویژگی های اصلی کارآفرینان ریسک پذیری بالاست بنابراین در شرایطی که جامعه نیاز به کارآفرینان دارد وجود چنین شرایط فرهنگی ظهور و بقای کارآفرینان را با مشکل جدی مواجه می سازد.

و با توجه به نتایج می توان ادعا کرد میزان موانع فرهنگی در یکی از دو گروه جنسیت بیشتر از گروه دیگر است و همچنین می توان ادعا کرد میزان موانع فرهنگی با تغییر رده سنی افراد، تغییر معنی داری می نماید، در ضمن سطح

تحصیلات و موانع فرهنگی وابسته به یکدیگر هستند. همچنین، می‌توان ادعا کرد میزان موانع فرهنگی با تغییر نوع فعالیت افراد تغییر معنی‌داری را نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهند، که وضعیت تاهل و منطقه سکونت و موانع فرهنگی افراد مستقل از یکدیگر هستند. در چنین شرایطی هر گونه برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه باید با دقت، وسواس و تأمل بسیار زیاد انجام شود.

۱-۲-۷-۵- سرمایه اجتماعی

نتایج توصیفی متغیر تمایل به بزهکاری در دختران نوجوان استان کرمان نشان داد تقریباً ۵۰ درصد از پاسخگویان تمایل به بزهکاری در سطح متوسط داشته‌اند. نتایج استنباطی این مطالعه نشان داد عوامل اجتماعی نظیر سطح تحصیلات پایین والدین، فقدان پیوندهای اجتماعی و عدم کنترل اجتماعی درست و صحیح در اوقات فراغت می‌تواند دختران نوجوان را به سوی بزهکاری سوق دهد.

در سال ۱۳۹۲ کرمان، رفسنجان و سیرجان به ترتیب دارای بیشترین تعداد سرقتها و ریگان و ارزشی کمترین میزان سرقت را داشته‌اند این مسئله با توجه به میزان جمعیت این شهرستان‌ها طبیعی است. در بافت، جیرفت، راور، شهربابک، منوجان و عنبرآباد سرقت‌های انجام شده کمتر از میانه این جرم (یعنی ۲۱۱) در بین شهرستان‌های دیگر است، و در کرمان بیشترین میزان مشاهده شده است.

در شهر کرمان ۵۸۰ مورد قاچاقچی دستگیر شده مشاهده شد که این فراوانی بالاتر از سایر مناطق است. در بم، سیرجان و کرمان بیشترین جرم مربوط با قاچاق کالا صورت گرفته است. در منوجان و تنها با یک مورد قاچاق کالا مشاهده شده است.

بطور کلی میزان جرایم در پنج سال اخیر ۸۸ تا ۹۲ روند افزایشی داشته است. بیشترین میزان رشد جرایم در طول یک سال (۸۹-۱۳۸۸) در کرمان با ۱۷۷۲۷ فقره و در طول یک سال (۹۱-۱۳۹۰) در کرمان با ۱۲۶۴۲ فقره از انواع جرایم صورت گرفته است. به طور کلی بافت، راور، زرنند، شهربابک، منوجان و عنبرآباد از نظر ارتکاب به جرم پایین تر از میانه جرایم در بین سایر مناطق استان کرمان قرار گرفته‌اند.

در سال ۱۳۹۱ بیشترین جرایم به ترتیب عبارت بودند از: سایر جرایم، سایر دعاوی، سرقت و ایراد ضرب و جرح و در سال ۱۳۹۲ بیشترین جرایم به ترتیب عبارت بودند از: انحصار وراثت، سایر جرایم، سایر دعاوی، سرقت و ایراد ضرب و جرح. جرایم مربوط به قاچاق و اعتیاد بخش عمده ای از جرایم را تشکیل می‌دهند که این پدیده ارتباط محکمی با موقعیت جغرافیایی استان دارد. با توجه به میزان جمعیت استان در دوره زمانی مزبور نسبت مجرمین به کل جمعیت حدود ۱۲ درصد و ۱۰.۷ در هزار می‌باشد همین میزان جرم هم زنگ خطر جدی برای جامعه محسوب می‌شود زیرا چندین برابر جرایم کشف شده جرایمی در جامعه وجود دارد که به دلایل مختلف از چشم قانون پنهان مانده است.

بیشترین تعداد جرایم به ترتیب در شهرستان های کرمان، سیرجان، رفسنجان، بردسیر و بم مشاهده شده است. در واقع مناطقی از استان که در جریان نوسازی از بالا بیش از سایر مناطق دچار تغییر شده اند بیش از سایر مناطق دچار آسیب-های اجتماعی شده اند، و بین سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ پرونده های بررسی شده در دادگاه های عمومی در حال رشد بوده است. میزان جرایمی نظیر تهدید از سال ۹۰ تا ۹۲ افزایش چشمگیری داشته است و برخی جرایم نظیر قتل، ضرب و جرح، خودکشی و مرگ اتفاقی بین سال های ۹۰ تا ۹۱ روند افزایشی داشته و در سال ۹۲ بطرز عجیبی کاهش یافته است. در طی سال های مورد اشاره انحصار وراثت، تصرف عدوانی و مزاحمت، صدور چک بلامحل، قتل عمد، پرونده های مربوط به ازدواج، تمکین و ترک نفقه روند افزایشی داشته اند اما پرونده های مربوط به تخلفات مربوط به راهنمایی و رانندگی، طلاق، وقف و وصیت و تصحیح و ابطال شناسنامه رو به کاهش گذاشته اند. البته این روند کاهش دربارۀ برخی پرونده ها از جمله تخلفات راهنمایی و رانندگی که در سال ۱۳۸۶ به صفر رسیده است قدری تعجب برانگیز است. در بین جرایم مورد بررسی فقط اختلافات ماجر و مستاجر به میزان صفر گزارش شده است. همانگونه که در جداول مشاهده می شود در سال ۱۳۹۲ کرمان، رفسنجان و سیرجان دارای بیشترین تعداد سرقت است و رینگان و ارزوئیه کمترین میزان را داشته اند و این مسئله با توجه به میزان جمعیت این شهرستان ها طبیعی است. میزان سرقت از سال ۹۱ تا ۹۲ نرخ رشد افزایشی داشته است. تصادفات درون شهری در سال ۱۳۹۲ نسبت به تصادفات سال قبل یعنی سال ۱۳۹۱ افزایش داشته است. کمترین میزان تصادفات درون شهری در شهرستان ارزوئیه و بیشترین آن در کرمان و سپس سیرجان و رفسنجان مشاهده می شود. بیشترین میزان تصادفات برون شهری در کرمان، شهربابک و سیرجان و کمترین آن در ارزوئیه و فاریاب گزارش شده است. میزان مواد مخدر کشف شده در فاصله سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ افزایش یافته است. این میزان تقریباً ۲ برابر شده است. بیشترین میزان مربوط به شهرستان بم است. تعداد پرونده های مربوط به دستگیر شدگان در ارتباط با مواد مخدر در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است. بیشترین این پرونده ها مربوط به شهرستان کرمان است.

یافته های پژوهش پیمایشی سال ۱۳۹۴ با یافته های پژوهش پیمایشی سال ۱۳۸۵ در مورد شاخص های سرمایه اجتماعی مردم کرمان مشابهت و مطابقت زیادی نشان دادند، بطوری که نتایج وضعیت طرز تلقی و ارزش ها، اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس تعلق تفاوت چندانی با یافته های این طرح در دوره قبل نشان نداد.

از نظر پاسخگویان این پژوهش مهم ترین ارزش ها در جامعه به ترتیب عبارتند از:

عدالت، مبارزه با ظلم، امانتداری، کار، دین، خانواده، سلامتی، صداقت، انصاف، پابندی به قول، خیرخواهی، یکرنگی، قانون، وحدت مسلمانان، علم، میهن. مردم کرمان به ترتیب نسبت به ارزش های سیاست، چاپلوسی کردن، زیبایی، ثروت و ثقلب نکردن کمترین میزان اهمیت را قائل بودند. یافته ها نشان می دهد که ارزش های فرامادی مثل عدالت، امانتداری، انصاف، دین، خانواده، سلامتی، صداقت، علم، میهن دوستی در رتبه های بالایی قرار دارند و ارزش های مادی ثروت و سیاست در رتبه های آخر قرار گرفته اند. این سلسله مراتب ارزشی هم دارای جنبه های مثبت و هم دارای جنبه های منفی می باشد. وجه مثبت آن عبارت است از اینکه هنوز ارزش های انسجام بخش اجتماعی که به عنوان چسب اجتماعی در همه مقاطع زمانی عمل کرده اند، از نظر مردم مهم هستند. ارزش هایی هم چون دین، خانواده، عدالت، میهن می توانند در شرایط بحرانی یکپارچگی اجتماعی را تضمین کند. جنبه منفی آن عبارت است از اینکه: در یک جامعه در حال توسعه که فعالیت اقتصادی در شاخه های مختلف از ارکان حیاتی آن محسوب می شود و سرمایه گذاری شریان اصلی حیات تلقی می شود، اهمیت ندادن به ثروت در سلسله مراتب ارزشی نمی تواند چندان روشنی بخش باشد. البته علی رغم وجود این نکته منفی، مشاهده می شود که کار در سلسله مراتب ارزشی به عنوان یک ارزش مادی در رتبه بالایی قرار گرفته است که برای جامعه ای در شرایط فعلی ایران، نکته مثبت محسوب می شود. سلسله مراتب ارزشی فوق به ما نشان می دهد که زیبایی از نظر افراد مورد مطالعه رتبه بالایی ندارد. با توجه به رشد سریع شهرها در استان کرمان توجه به ارتقای کیفیت های بصری و زیبایی های شهری برای بهبود کیفیت زندگی در شهرها از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بنابراین این شیوه ارزش گذاری برای مفهوم زیبایی، قطعاً "جامعه شهری را دچار مشکل خواهد کرد.

هنجارهای متقابل که اساس شکل گیری کنش های اجتماعی پایدار و عمیق است، یکی از مؤلفه های اساسی سرمایه اجتماعی تلقی می شود. هنجارهای متقابل بسترساز اعتماد اجتماعی و تسهیل گر بسط ارتباطات شبکه ای و گسترش مشارکت های اجتماعی است. در صورت فقدان این گونه هنجارها، امکان فعالیت های گسترده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بهسازی شرایط زندگی اجتماعی با چالش جدی مواجه می شود. هنجارهای متقابل تسهیل گر فعالیت های اجتماعی در این پژوهش به ترتیب عبارتند از: امانتداری، انصاف، راستگویی، یگانگی، مبارزه با ظلم، تلاش و جدیت، عمل به قول، یکرنگی، رد تملق، خدمت به مردم، گذشت، پابندی به قانون، همکاری، ایثار، عدم ثقلب، خیرخواهی و کمک به دیگران در رتبه های بالا مشاهده می شود که هنجارهای تسهیل گر فرآیندهای سازمانی و سیاسی مثل

پایندی به قانون، خدمت به مردم، رد تملق و چاپلوسی، همکاری و کمک به دیگران در رتبه های متوسط و پایین قرار می گیرند.

نتایج بررسی مولفه های رشد و توسعه جامعه در این پژوهش نشان داد که سطح سرمایه اجتماعی (شبکه روابط، هنجار متقابل، مشارکت و اعتماد اجتماعی) در جامعه مورد مطالعه در سطح متوسط قرار دارد. سرمایه اجتماعی درصد قابل توجهی از افراد حدود ۲۴ درصد در سطح پایین قرار دارد که این میزان نشان دهنده آن است که سرمایه اجتماعی در بین افراد جامعه به میزان قابل توجهی افزایش نیافته و در همان سطح متوسط باقی مانده است. احساس تعلق جنسیتی، احساس تعلق ملی، احساس تعلق دینی، احساس تعلق خانوادگی، و موقعیت محله ای در اکثر افراد وجود داشت. رضایت از زندگی در سطح متوسط رو به پایینی قرار داشت. تمایل به کار و فعالیت در بین افراد متوسط رو به بالا بود. همانگونه که مشاهده شد توافق ارزشی و هنجاری نسبتاً بالایی بین افراد وجود داشت. اعتماد در اشکال مختلف آن یعنی اعتماد اجتماعی، بین شخصی و اعتماد نهادی در حد متوسطی وجود داشت، اما اعتماد تعمیم یافته در سطح پایینی نمایش داده شد.

نزدیک یک سوم پاسخگویان هیچ گونه مشارکت رسمی اجتماعی نداشتند در حالی که ۱۰ درصد از افراد هیچ گونه مشارکت سیاسی نداشتند. نزدیک به نیمی از اعضا هیچ گونه مشارکت غیررسمی نداشتند. این پدیده، حساسیت برانگیز است زیرا نشان می دهد که پیوندها و ارتباطات غیررسمی که همیشه در جامعه ما یکی از مؤلفه های اصلی انسجام اجتماعی بوده در حال وانهادن است که اگر با گزینه های مناسب (پیوند رسمی عمیق و جدی) پر نشود می تواند جامعه را به پرتگاه مشکلات اجتماعی نزدیک کند. ظاهراً "مشارکت های رسمی که از پیامدهای توسعه جامعه مدرن است افزایش داشته است، اما نکته مهم و قابل توجه در این میان این است که اگر این پیوندهای جدید از عمق و استحکام واقعی برخوردار نباشند، نه تنها مشکلی را حل نمی کنند بلکه بستر ساز مشکلات دیگر هم خواهند شد.

یافته ها نشان داد که سطح اعتماد تعمیم یافته و نهادی در مردان بیش از زنان است، با توجه به محدودیت های ارتباطی زنان و فقدان گستردگی فعالیت های اجتماعی بین ایشان، بالا بودن سطح اعتماد تعمیم یافته و نهادی طبیعی به نظر می رسد. همانگونه که مشاهده شد میزان مشارکت رسمی در میان مردان بیشتر است که با توجه به گستردگی فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردان، این یافته هم طبیعی به نظر می رسد. زیرا این نوع فعالیت های خارج از خانه بستر مشارکت های اجتماعی رسمی را در مردان افزایش می دهد. شبکه ارتباطی زنان و شعاع ارتباطات زنان گسترده

تر از مردان است. میزان سرمایه اجتماعی در گروه سنی میانسالی (۵۸-۴۷ سالگی) بیش از بقیه گروه های سنی بود که می تواند نکته مثبتی تلقی شود زیرا این گروه سنی اکثراً "شاغل هستند، در مرحله شکوفایی شغلی قرار گرفته اند، اکثراً" متأهلند و صاحب فرزندانی می باشند و در عین حال هنوز به طور متوسط ۱۰ سال دیگر از سن فعالیت اقتصادی آنها باقی مانده است.

کمترین میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در میان افراد جوان مشاهده شد این پدیده زنگ خطر بزرگی محسوب می شود، زیرا با توجه به جوان بودن جمعیت ایران و ورود قریب الوقوع این افراد به عرصه های فعالیت های اجتماعی و اقتصادی باید در انتظار آشفته گی های متعدد در خرده نظام های مختلف جامعه باشیم. شعاع ارتباطات در افراد مسن تر بیشتر مشاهده شد. سرمایه اجتماعی در بین خانه دارها و افراد دارای درآمد بدون کار از افراد شاغل و افراد در حال تحصیل بالاتر بود. این واقعیت به ما نشان می دهد که زنان خانه دار پتانسیل بسیار بالایی برای مشارکت در برنامه های توسعه دارند. میزان سرمایه اجتماعی در بین افراد بیکار از همه گروه های فعالیت پایینتر بود. با توجه به نرخ بالای جوانان و بیکاران در جامعه، کاهش سرمایه اجتماعی در این قشر می تواند آسیب های زیادی در حیطه جرایم و توسعه به دنبال داشته باشد.

از سوی دیگر زنان خانه دار و افراد شاغل بیش از سایر گروه های فعالیت به هنجارهای متقابل باور داشته اند. شعاع ارتباطات اجتماعی با افزایش تحصیلات کاهش می یابد که در بحث های مربوط به سرمایه اجتماعی، تأمل برانگیز است. میزان سرمایه اجتماعی در متأهلین بیش از مجردین است همچنین شعاع ارتباطات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در افراد متأهل بیش از مجردین است. بنابراین تشکیل خانواده و برگزیدن تأهل می تواند یکی از راه های برون رفت از تنگنای کاهش سرمایه اجتماعی باشد.

نتایج نشان می دهد که سرمایه اجتماعی در این شهر در حد متوسطی بوده و چندگانگی در ابعاد مختلف آن وجود دارد. به طوری که در برخی مولفه های اصلی سرمایه اجتماعی نظیر روابط انجمنی و هنجارها و اعتماد اجتماعی از ضعف جدی برخوردار است و در برخی عناصر همانند پیوندها و اعتماد فردی، همبستگی و انسجام اجتماعی در حد میانی و در بعد حمایت اجتماعی دارای قوت و عملکرد مناسب است این نتایج به ویژه با توجه به عناصر تشکیل دهنده هر بعد نشان می دهد بسیاری از سازوکارهای اجتماعی که مردم به آن وابسته بوده دگرگون شده و یا در حال تغییر

هستند در حالی که بسیاری از زمینه ها همچنان از قدرت بالائی برخوردارند. بنابراین، مردم برای ایجاد ارتباط و تأمین منافع متقابل نیازمند سازوکارهای جدید در حوزه روابط اجتماعی و نهادسازی های ذی ربط می باشند.

جنس سرمایه اجتماعی موجود بین سرمایه اجتماعی قدیم و سرمایه اجتماعی جدید در نوسان است که تا حد زیادی وابسته به ماهیت جامعه و ترکیب عناصر جامعه سنتی و مدرن در آن می باشد. از سوی دیگر با بررسی مسائل اجتماعی موجود در استان کرمان و بررسی دقیق آن مشخص شد که بطور کلی سطح جرایم و آسیب های اجتماعی روند افزایشی داشته که به معنای خطرزا بودن و اهمیت کشف زمینه های افزایش آن می باشد. به هر حال میزان نسبتاً متوسط سرمایه اجتماعی در استان با نسبت جرایم در استان ارتباط منطقی و صمیمی دارد و با اتخاذ راهکارهایی که باعث افزایش سرمایه اجتماعی شود می توان میزان مسائل اجتماعی را محدودتر نمود.

بدیهی است توسعه یافتگی در ایران روندی هموار نداشته و در تمام شهرها به طور یکسان رو به رشد نبوده بلکه با فراز و فرودهایی همراه بوده است که بازتاب آن را می توان در ارتباط با سرمایه اجتماعی نیز دریافت به گونه ای که سرمایه اجتماعی در شهر کرمان در برخی ابعاد کاملاً محلی، خاص و سنتی بوده و در برخی مولفه ها با دگرگونی های پدید آمده در اشکال نوین همراه شده است. مطابق با یافته ها مشارکت در اشکال جدید که در قالب روابط انجمنی و مشارکت نهادمند تعریف شده، در شهر کرمان ضعیف است و نتوانسته به صورت تعریف نقش های جدید، افزایش آگاهی، افزایش احساس تعلق به اجتماع و ... بارور شود. با وجود اهمیت هیأت های مذهبی و نهادهای خیریه به دلیل قرار گرفتن آنها در چارچوب نهادهای سنتی خصیصه ی مدرن به خود نگرفته است و از طرفی کارکردهای این نهادها محدود به اهداف خاص تعریف شده و خارج از شمول گسترده می باشد. چنین به نظر می رسد که سنت ها و تجارب قدیم با وضعیت مدرن در هم آمیخته و به سمت شکل گیری گونه های نوین پیش می رود اما همچنان با چالش های جدی مواجه است. بایستی توجه داشت در این فرایند لزوم تقویت اشکال نوین سرمایه اجتماعی به معنای تضعیف عناصر سنتی نیست چرا که بسیاری از ابتکارات می توانند از طریق اشکال سنتی نظیر هیأت های مذهبی تسریع و پرثمرتر شوند در حقیقت سرمایه اجتماعی در عین حال که متکی به حیات نهادهای مدنی است اما موقوف به وجود تشکل های خاص نیست.

نکته قابل تأمل در شهر کرمان مربوط به اعتماد بین فردی بالا به ویژه نسبت به افراد خانواده و خویشاوندان است و هر چه از خانواده می گذرد و به هم شهریان و هم وطنان می رسد بسیار کاهش می یابد. بدیهی است آنچه قابلیت جامعه را

برای ساخت سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد توانایی افراد برای فراتر رفتن از سطح خانواده و آشنایان نزدیک است. وجود روابط حاکی از اعتماد و به نفع آن مشارکت در فعالیت‌های جمعی، رفت و آمد و همکاری در رفع مشکلات دیگران در درون خانواده‌ها و عدم وجود آن در روابط غیر خویشاوندی زمینه شکل‌گیری هویت‌های کوچکتر محلی و خانوادگی را فراهم می‌کند که تقویت‌کننده ابعاد سنتی و در چالش با هویت‌های فراملیتی و ملی است.

تأثیرپذیری کم و کیف سرمایه اجتماعی و نظام شخصیتی افراد نشان می‌دهد به منظور ارتقا سرمایه اجتماعی بایستی به بسترها، شرایط و تفاوت‌های فردی در ابعاد نگرشی و کنشی توجه داشت که برخاسته از در هم آمیختگی سنت و تجدد است. به عبارت دیگر چالش‌های تجدد در کشور و در شهرهایی مثل کرمان بایستی به دقت ملاحظه و مطالعه و سپس با راهکارهای منطبق بر ظرفیت‌های اجتماعی سازمان‌دهی و در برنامه‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی محور قرار گیرد. بنابراین شکل‌گیری و رشد سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به هم‌بعنوان یک ضرورت و هم‌بعنوان یک هدف بایستی مورد توجه قرار گیرد.

در این راستا تقویت، تشویق و کمک به تشکیل نهادهای مدنی، تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی، کاربردی‌تر کردن آموزش‌ها برحسب نیاز، تأمین و گسترش امنیت بعنوان پیش‌نیاز توسعه و تشکیل سرمایه اجتماعی، پرهیز از تصدی‌گری‌های دولتی و جلب مشارکت مردم، اعتمادسازی و شفافیت، تقویت نگرش‌ها و پنداشت‌های مثبت و ارزش‌های عام جامعه و پرهیز از خاص‌گرایی‌هایی که مانع عام‌گرایی می‌شود، ارتقا ابعاد نوین اجتماعی نظیر اخلاق شهروندی و... توصیه می‌شود و البته باید توجه داشت که دسترسی به سرمایه اجتماعی به موقعیت افراد و گروه‌های خاص نیز بستگی دارد که همه بطور یکسان از امتیازات آن بهره‌مند نخواهند شد.

میزان سرمایه اجتماعی افراد و گروه‌ها به شدت تحت تأثیر فقر و محرومیت است، بطوری که میانگین سرمایه اجتماعی در خانوارهای فقیر کمتر از میانگین سرمایه اجتماعی خانوارهای مرفه است. لیکن باید توجه داشت که توزیع انواع سرمایه‌ها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین)، در بین اقشار و طبقات اجتماعی گوناگون متفاوت است، این در حالی است که کمبود یک نوع از سرمایه فرایند بازتبدیل انواع سرمایه را با مشکل مواجه می‌کند و مجموعه این شرایط در یک رابطه تأثیر متقابل و چرخه‌ای شرایطی را فراهم می‌کنند که یکی از مهم‌ترین نتایج آن کاهش شعاع روابط اجتماعی، روند رو به نزول سرمایه‌ی اجتماعی، فرسایش آن در بین افراد جامعه است. سرمایه‌ی اجتماعی توان لازم را برای کاهش فقر و افزایش رفاه افراد جامعه در سطوح خرد و کلان اجتماع دارد و گسترش آن در همه اقشار

جامعه زمینه‌ی رشد فرهنگ مشارکتی، روحیه‌ی داوطلبانه، همکاری و کمک متقابل و در نتیجه افزایش سطح رفاه همگانی و توسعه روز افزون جامعه را ایجاد می‌کند.

۱-۲-۶- تحلیل ساختار فضایی فرهنگی-اجتماعی استان

در این بخش به جمع بندی وضعیت توزیع فضایی عناصر فرهنگی و پارامترهای اجتماعی استان کرمان پرداخته شده است.

بنیان‌ها و ساز و کارهای اجتماعی و فرهنگی استان کرمان منتج از موقعیت جغرافیایی این استان، همجواری با کویر و با مناطق کویری و جوامع کویرنشین سرزمین و پیشینه تاریخی و ارتباطات برون استانی و درون استانی آن است. پهنه‌های کویری کم آبی و قلت ریزش‌های جوی، به فرهنگ سخت کوشی، قناعت و نوآوری در امر معیشت، اقتصاد و تولید و تمرکز در واحدهای پراکنده و سکونتگاه‌های کوچک بعضاً واحه‌ای را به وجود آورده است.

استان کرمان به علت دورافتادگی جغرافیایی و سیاسی مجبور به گسترش فرهنگ پذیرندگی و مسالمت‌جویی با گروه‌های اجتماعی مختلف بوده اما در عین حال گونه‌ای مقاومت در برابر تغییر در مردمان این ناحیه دیده می‌شود. در واقع جمع شدن این دو ویژگی در کنار یکدیگر معایب و محاسنی دارد. اگر ویژگی پذیرندگی با ویژگی تمایل به تغییر شدید در کنار هم قرار می‌گرفت خطر امحای گذشته فرهنگی و اضمحلال در سایر فرهنگ‌ها وجود داشت. اما وجود ویژگی پذیرندگی در کنار میل کم به تغییر هم می‌تواند تهدید محسوب شود به گونه‌ای که پذیرندگی به نفع گروه‌های پذیرفته شده باشد و در برابر تغییر مثبتی در وضعیت موجود ایجاد نشود. بهترین حالت ترکیب ویژگی پذیرندگی با میل به تغییر متعادل می‌باشد، وضعیتی که در آن میزان نفع بری گروه پذیرنده بیش از همه است. به نظر می‌رسد این وضعیت در کرمان ضعیف است و نیاز به تشدید و تقویت دارد.

بررسی جمعیت شهری شهرستان‌های استان در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که شهرستان کرمان همچنان مانند سه دوره قبل و این بار با جمعیت شهری معادل ۶۲۱۳۷۴ در رتبه اول جمعیت شهری استان قرار دارد. شهرستان سیرجان با ۲۰۸۰۳۳ نفر جمعیت شهری در رتبه دوم و شهرستان‌های ارزوئیه و ریگان با ۷۵۵۵ و ۹۶۶۴ نفر جمعیت شهری، در رتبه‌های آخر جای گرفته‌اند. رتبه اول سهم شهرنشینی استان در این سال (مانند سه دوره قبل) به شهرستان کرمان اختصاص دارد (درصد ۸۶/۰ شهرنشینی). پس از آن شهرستان سیرجان با ۷۷/۷ درصد و

شهرستان کوهبنان با ۷۶/۶ درصد جمعیت شهرنشین، در در رتبه های بعدی قرار دارند. شهرستان رودبار نیز با ۱۱/۷ درصد شهرنشین در رتبه آخر این رده بندی جای گرفته است.

بررسی نقشه نسبت شهرنشینی و روستانشینی در استان کرمان حکایت از این موضوع دارد که بخش های شمالی استان از درصد شهرنشینی بالاتری نسبت به شهرهای جنوبی برخوردار هستند. این موضوع در چرخه ای از تبادلات اقتصادی، وضعیت زیست محیطی، طبیعی و سیاسی قرار دارد و خود ناشی از برخی از عوامل و موثر بر برخی پارامترهای دیگر است. در واقع پراکندگی صنایع در بخش های شمالی در کنار وجود اقلیم کوهستانی و نامتناسب با کشاورزی منجر به گرایش بخش های شمالی استان به شهرنشینی و اشتغال در بخش صنعت و خدمات شده است. در حالی که بخش های جنوبی استان با برخورداری از دشت های وسیع و مناسب برای کشاورزی از الگوی اشتغال کشاورزی برخوردار بوده و نسبت شهرنشینی کمتری را دارا می باشند.

نزدیک به ۹۰ درصد آبادی های استان از جمعیت بسیار کمی برخوردار می باشند و آبادی های پرجمعیت در سطح استان بسیار کم می باشد در استان کرمان، در شهرستان های بم و جیرفت به دلیل وجود دشت هموار و مناسب برای کشاورزی دارای جمعیت پذیری مناسب و نتیجتاً دارای روستاهای برخوردار از خدمات بوده است. همانگونه که مشخص است شهرهای بردسیر، کوهبنان، انار و عنبرآباد دارای بیشترین تراکم جمعیت شهری و شهرهای ارزوئیه، بافت، انار، ریگان و قلعه گنج دارای بیشترین تراکم جمعیت روستائی در سطح استان کرمان هستند. لازم به ذکر است که علی رغم آنکه شهر کرمان پرجمعیت ترین نقطه شهری استان است اما با توجه به سطح وسیع اراضی بیابانی در این شهرستان، تراکم ناخالص جمعیتی در این شهرستان عدد پایینی گرفته و در دسته بندی مترکام ترین نقاط جمعیتی استان قرار نگرفته است.

براساس اطلاعات، خالص مهاجرت درون شهرستان ها از اختلاف میزان مهاجرین وارده شده و میزان مهاجرین خارج شده هر شهرستان استفاده گردیده است. براین اساس مقصد بیشتر مهاجرت ها شهر کرمان و در مرحله بعد رفسنجان، بم و سیرجان است که بیش از ۲۰۰۰ نفر مهاجر پذیرفته است. بیشترین تعداد مهاجرت ها از شهرستان های جیرفت و بافت بوده است که بیش از ۲۰۰۰ نفر مهاجرت نموده اند.

براساس اطلاعات مهاجرت برون استانی خالص مهاجرت از شهرستان کرمان نزدیک به ۶۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰ بوده است و شهرستان های جیرفت و کهنوج نیز با بیش از ۱۰۰۰ نفر مهاجرین برون استانی رتبه های بعدی را دارا می

باشند اما از آن سو شهرستان های رفسنجان و سیرجان هر یک تراز مثبت داشته و بیش از ۲۰۰۰ نفر مهاجر را پذیرفته اند.

سطح بندی شهرستان های استان بر اساس شاخص توسعه انسانی نشان می دهد که تفاوت در بین شهرستان های استان وجود دارد. بطوریکه بین سطح اول و سطح سوم نزدیک به ۰.۲۰ درصد تفاوت وجود دارد. بر اساس این شاخص شهرستان کوهبنان، انار، کرمان، رفسنجان، شهربابک و سیرجان در سطح اول قرار دارند و شهرستان های ریگان، کهنوج، فاریاب، فهرج، بم و منوجان در سطح سوم و پایین قرار گرفته اند. بیشتر شهرستانهای استان در سطح میانی قرار گرفته اند.

میزان بهره مندی از آموزش های رسمی در عرصه های مختلف جغرافیائی استان و در سطح سکونتگاه های شهری و روستایی و بین مردان و زنان ساکن در استان می تواند به عنوان یک شناسه برای بررسی و ارزیابی کم و کیف این عامل زیربنائی اجتماعی به منظور برنامه ریزی جهت تعادل بخشی و توازن فضایی به کار آید. بدین منظور سطح باسوادی شهرستان های استان مورد مطالعه قرار گرفت. و بر اساس میانگین و انحراف معیار شهرستان ها دسته بندی شدند بر این اساس، شهرستان ها در سه سطح قرار گرفتند سطح اول شامل شهرستان های، کرمان، کوهبنان، راور و در سطح اول و شهرستان های ارزوئیه، بافت، کهنوج و .. در سطح پایین قرار دارند. اطلاعات نشان می دهد که بین سطح سواد در شهرستان های استان تعادل برقرار نیست و سطح اول و سطح پایین نزدیک به دو برابر تفاوت دارند.

نتایج بررسی ها نشان می دهد که نرخ رشد تعداد کتابخانه ها عمومی روند افزایشی داشته است. نرخ رشد تعداد کتابخانه ها و کانون های پرورش فکری و کتاب های کتابخانه ها و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال های مورد مطالعه روند افزایشی داشته است. در سال ۱۳۸۵-۱۳۹۲ تعداد کتابهای کانون های پرورش فکری کودکان و نوجوانان تغییری نداشته است. در سال ۹۲ بیشترین تعداد کتابخانه و کتاب در تمام موارد مربوط به شهرستان کرمان بوده است، شهرستان های عنبرآباد، رودبار جنوب، فاریاب، فهرج، قلعه گنج فاقد کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستند. نرخ رشد تعداد اعضا و موارد مراجعه به کتابخانه های عمومی نیز روند افزایشی داشته است. نرخ رشد تعداد اعضای کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۲-۱۳۷۵ و در سال ۱۳۹۲-۱۳۸۵ و ۱۳۹۲-۱۳۹۰ روند کاهشی داشته است. بیشترین تعداد اعضای کتابخانه های عمومی و کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرستان کرمان در طول سال ۹۲ بیشتر

بوده است. باز همان تمرکز در مرکز استان قابل مشاهده است که این عامل میتواند یکی از موانع توسعه فرهنگی باشد و آن هم یک توسعه همه جانبه و هماهنگ.

در کنار کتابخانه ها عوامل دیگری نیز در توسعه فرهنگی نقش دارند که به اختصار در ادامه به آنها پرداخته میشود، با توجه به اهمیت مذهب در جامعه ایران و با در نظر گرفتن اهمیت فرهنگ شفاهی و انتقال آن از طریق اماکن مذهبی باید به این نکته اشاره کرد که تعداد و نحوه پراکندگی اماکن مذهبی در سطح استان می تواند شاخص خوبی برای وضعیت فعالیتهای فرهنگی محسوب شود بر اساس نتایج تعداد اماکن متبرکه اسلامی، مسجد طی سال های ۸۵ تا ۹۲ نرخ رشد افزایشی داشته است اما تعداد حسینیه ها و تکیه نرخ رشد کاهشی داشته است. در فاصله سالهای ۹۲-۱۳۹۰، اماکن متبرکه، تکیه و حسینیه، اماکن مذهبی اقلیت ها هیچگونه تغییری نکرده است ولی طی این فاصله تعداد مساجد روند کاهشی داشته ۰.۵۴- بوده است.

بیشترین تعداد اماکن متبرکه اسلامی، مسجد و تکیه و حسینیه در سال ۹۲ مربوط به شهرستان کرمان می باشد. شهرستان های فاریاب، کهنوج و نورماشیر فاقد اماکن متبرکه می باشند. اماکن مذهبی اقلیت ها فقط در شهرستان کرمان وجود دارد. در ضمن در سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۲ بازدید از موزه باستان شناسی هرنندی، موزه ساز هرنندی و موزه- جیرفت روند کاهشی داشته و سایر موارد روند افزایشی داشته است. در سال ۹۲-۱۳۹۰ بازدید از موزه باستان- شناسی هرنندی، موزه ساز هرنندی و گنبد جبلیه روند افزایشی داشته است. و سایر موارد روند کاهشی داشته است. در سال ۸۶-۱۳۷۰ بازدید از ارگ بم روند افزایشی داشته است که بعد از زلزله بم بازدید کنندهای- نداشته است. در همین زمان بازدید از باغ شاهزاده نیز منفی بوده است. بعد از زلزله بم تنها در سال ۱۳۹۲ بازدید کنندگان از ارگ بم گزارش شده است.

در کنار عوامل ذکر شده سینما نیز یکی از عوامل موثر است. سینما یک نیاز ملی است. یک دستاورد انسانی است که در رشد و بالندگی فرهنگ و تمدن یک جامعه می کوشد. کانونی است سازنده و به فراخور آراء و عقاید جمعی. سینما بیشک از اساسی ترین و موثرترین رسانه هایی است که در تداوم و گسترش و بقای فرهنگ و هنر واقعی یک جامعه حضوری فعال دارد. هدف اساسی آن ساختن ساختمان فکری و روحی انسان است به طوری که نهاد و محتوای این ساختمان نیز با هم پیوندی عمیق خورده باشد. در نتیجه هر چه فرهنگ فناوری و تکنولوژی در جامعه رشد داشته باشد به همان اندازه فرهنگ سینما نیز رشد نموده است. نتایج زیر وضعیت سینماها، سالن ها و نمایشگاه های استان را نشان می دهد.

به دلیل نیمه فعال بودن برخی از سینماها در استان، این سینماها در سال ۸۶ تعطیل شدند و به همین دلیل تعداد سینما، صندلی و تماشاچی در تمام سالهای مورد مطالعه کاهش یافته است، تعداد سینماهای استان به ۷ سینما تقلیل پیدا کرده است. در سال های ۹۲-۱۳۹۰ گنجایش سینماها روند مثبت داشته است. بیشترین تعداد سینما در شهرستان کرمان (۳ سینما) وجود دارد. در سال ۱۳۹۲ یک سینما در رفسنجان، یک سینما در سیرجان و دو سینما در شهرستان شهر بابک نیز وجود دارد. بیشترین تعداد صندلی و بیشترین تعداد تماشاچی نیز مربوط به شهرستان کرمان می باشد که تمام تماشاچیان، بیننده فیلم های ایرانی بوده اند.

در استان کرمان طی سال ۹۲-۱۳۶۵، ۹۲-۱۳۷۵، ۹۲-۱۳۸۵، تعداد سالن و گنجایش آن تعداد برنامه، اجرا، تعداد تماشاگر تئاتر و موسیقی طی این سال ها روند افزایشی داشته است. در سال های ۹۲-۱۳۹۰ تعداد برنامه ها و تماشاگران تئاتر روند کاهشی داشته است. در سال ۹۲ تعداد سالن و نمایش و از نظر تعداد برنامه های تئاتر و موسیقی تئاتر شهرستان کرمان بیشترین تعداد را داشته است. همچنین در این سال از نظر تعداد اجرای موسیقی و تئاتر و تعداد تماشاگر تئاتر کرمان بیشترین مورد را به خود اختصاص داده است. اما از نظر تعداد تماشاگران موسیقی شهرستان جیرفت بیشترین تعداد را داشته است. شهرستان های فاریاب، فهرج، قلعه گنج، رابر و ارزوئیه فاقد سالن نمایش بوده اند. در شهرستان ریگان و کوهبنان هیچگونه برنامه موسیقی و در شهرستان فاریاب نیز هیچگونه برنامه تئاتر برگزار نشده است.

در خصوص وضعیت اجتماعی استان ذکر این نکته مهم است که نیمه شمالی استان دارای بیشترین تراکم جمعیت شهری و روستایی می باشد. همچنین نسبت جمعیت شهرنشین به جمعیت روستائی در نیمه شمالی استان بیشتر است. این موضوع می تواند از گستردگی صنایع و معادن در نیمه شمالی استان و فراهم بودن زمینه هایی از جمله تسهیلات ارتباطی، زیرساخت های انرژی، موقعیت طبیعی پراکندگی معادن و نشأت بگیرد.

از بعد سرمایه اجتماعی بررسی ها نشان می دهد که از بین شهرستان های استان، کرمان و در رتبه بعد بم دارای جایگاه بالاتری نسبت به سایر شهرستان ها دارند. از نظر تمایل به کار شهرستان های کرمان و رفسنجان از موقعیت بهتری برخوردارند که بخش عمده ای از این مسئله می تواند ناشی از شاخص رشد اقتصادی این دو شهرستان و رشد بخش صنعت، خدمات و کشاورزی در این شهرستان ها باشد. پایین ترین سطح اعتماد اجتماعی به ساکنان سیرجان تعلق داشته و ساکنین کهنوج کمترین میزان مشارکت اجتماعی را داشتند. یافته ها نشان می دهد که بالاترین میزان تمایل به کار در بین ساکنین نقاط شهری دیده می شود. ریشه این پدیده را می توان در تغییرات

جوی سال های اخیر، خشکسالی های مکرر، بیکاری و بی معنا شدن نسبی فعالیت در سطح روستاها جستجو کرد . با توجه به مهاجرت روزافزون روستاییان به شهرها، وجود چنین تمایل سطح پایینی در آنها نسبت به کار کردن نمی تواند طلعه خوبی برای شهرها و رونق اقتصادی شهرها محسوب شود .بیشترین میزان مشارکت اجتماعی هم در بین ساکنان نقاط شهری مشاهده شد که نشانه تخریب روحیه مشارکتی روستاییان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی محل است. البته به نظر می رسد ارتباط مداوم با شهرها، از هم گسیختگی روابط سنتی در روستاها، زیر و رو شدن ساختار اقتصاد روستایی به دلایل متعدد و... در اضمحلال برخی مؤلفه های سرمایه اجتماعی روستاییان مؤثر واقع شده است.

بطور کلی میزان جرایم در پنج سال اخیر ۸۸ تا ۹۲ روند افزایشی داشته است. بیشترین میزان رشد جرایم در طول یک سال (۸۹-۱۳۸۸) در کرمان با ۱۷۷۲۷ فقره و در طول یک سال (۹۱-۱۳۹۰) در کرمان با ۱۲۶۴۲ فقره از انواع جرایم صورت گرفته است. به طور کلی بافت، راور، زرنند، شهربابک، منوجان و عنبرآباد از نظر ارتکاب به جرم پایین تر از میانه جرایم در بین سایر مناطق استان کرمان قرار گرفته اند.

در سال ۱۳۹۱ بیشترین جرایم به ترتیب عبارت بودند از :سایر جرایم، سایر دعاوی، سرقت و ایراد ضرب و جرح و در سال ۱۳۹۲ بیشترین جرایم به ترتیب عبارت بودند از :انحصار وراثت، سایر جرایم، سایر دعاوی، سرقت و ایراد ضرب و جرح .جرایم مربوط به قاچاق و اعتیاد بخش عمده ای از جرایم را تشکیل می دهند. که این پدیده ارتباط محکمی با موقعیت جغرافیایی استان دارد. باتوجه به میزان جمعیت استان در دوره زمانی مزبور نسبت مجرمین به کل جمعیت حدود ۱۲ درصد و ۱۰.۷ در هزار می باشد.

بیشترین تعداد جرایم به ترتیب در شهرستان های کرمان، سیرجان، رفسنجان، بردسیر و بم مشاهده شده است . در واقع مناطقی از استان که در جریان نوسازی از بالا بیش از سایر مناطق دچار تغییر شده اند بیش از سایر مناطق دچار آسیبهای اجتماعی شده اند، و بین سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ پرونده های بررسی شده در دادگاه های عمومی در حال رشد بوده است .این مسئله می تواند ۲ دلیل داشته باشد .افزایش جرایم و پرونده های مربوط به آن و تسریع در بررسی و اختتام پرونده ها.

در سال ۱۳۹۲ کرمان، سیرجان و سیرجان دارای بیشترین تعداد سرقت و رینگان و ارزوئیه کمترین میزان را داشته اند و این مسئله با توجه به میزان جمعیت این شهرستانها طبیعی است. میزان سرقت از سال ۹۱ تا ۹۲ نرخ رشد افزایشی داشته است. تصادفات درون شهری در سال ۱۳۹۲ نسبت به تصادفات سال قبل یعنی سال ۱۳۹۱ افزایش داشته است. کمترین میزان تصادفات درون شهری در شهرستان ارزوئیه و بیشترین آن در کرمان و سپس سیرجان و رفسنجان مشاهده می شود. بیشترین میزان تصادفات برون شهری در کرمان، شهرابک و سیرجان و کمترین آن در ارزوئیه و فاریاب گزارش شده است. میزان مواد مخدر کشف شده در فاصله سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ افزایش یافته است. این میزان تقریباً ۲ برابر شده است. بیشترین میزان مربوط به شهرستان بم است. تعداد پرونده های مربوط به دستگیر شدگان در ارتباط با مواد مخدر در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است. بیشترین این پروندهها مربوط به شهرستان کرمان است.

افزایش جرایمی همچون صدور چک بی محل، جعل، ارتشاء، تخریب اموال و تصرف عدوانی از جمله جرایمی هستند که نشانگر کاهش سطح اعتماد اجتماعی در روابط بین فردی است. و از سوی دیگر مشاهده میشود که متاسفانه پرونده های مربوط به زناشویی و مسایل مرتبط با آن روند افزایشی داشته است. در واقع این مسئله می تواند نشانه ای از تخریب روابط شبکه خانوادگی و تخریب اعتماد بین اعضای خانواده باشد.

۱-۲-۷-۷-نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدات در حوزه اجتماعی و فرهنگی

در حوزه اجتماعی و فرهنگی نیز نقاط قوت و ضعف استان در مرحله اول بیانگر آن است که در پهنه جغرافیایی استان تراکم جمعیت بصورت یکنواخت شکل نگرفته است بطوریکه منطقه شمالی بیش از ۶۰ درصد مساحت استان را با تراکم جمعیت ۳۵.۳۷ نفر در مترمربع به خود اختصاص داده است در مقابل منطقه جنوبی که ۳۴.۴ درصد مساحت و ۶۴.۶۱ درصد تراکم جمعیتی را دارا می باشد که این نکته بیانگر فشردگی جمعیت در نیمه جنوبی به دلایل محیطی، اجتماعی و اقتصادی است که در بررسی سایر موارد دلایل این امر بیشتر نمود عینی پیدا می کند. همچنین در منطقه شمالی ۷۳.۱۴ درصد جمعیت شهرنشین و ۳۴.۵۲ درصد جمعیت روستائین بوده است. در مقابل منطقه جنوبی ۲۶.۸۵ درصد جمعیت شهری و ۶۵.۴۷ درصد جمعیت روستایی را دارا می باشد این دو منطقه درست در مقابل همدیگر از لحاظ میزان شهرنشینی و روستائینی قرار گرفته اند که این نکته بیانگر عدم تعادل توزیع جمعیت شهری و روستایی

در منطقه شمالی و جنوبی است. این امر دلایل متعددی از جمله مرغوبیت منطقه جنوبی برای کشاورزی، دامداری و باغداری است که بطبع جمعیت روستایی بیشتری را شامل شده است. در مقابل منطقه شمالی بیشتر دارای ماهیت بیابانی است و امکانات مستعد برای کشاورزی و دامداری و سکونت جمعیت روستایی را دارا نمی باشد. در منطقه شمالی وجود شهر کرمان و رفسنجان بعنوان شهرهای اول و دوم استان بیشترین جمعیت شهرنشین را به خود اختصاص داده است که این مساله باعث تراکم جمعیت شهری در این منطقه و به طبع تراکم امکانات و خدمات در نیمه شمالی شده است. اتخاذ سیاست های توسعه شهری، راهبردهای ایجاد قطب های رشد و تخصیص منابع مالی بیشتر به شهرها برای گسترش امکانات در برنامه های اخیر کشور باعث تراکم جمعیت شهری و باطبع تراکم امکانات برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان شده است.

یکی دیگر از مشخصه های اجتماعی و فرهنگی استان کرمان رشد بسیار خوب سطح سواد در استان است این امر خود در ارتباط با امکانات اجتماعی و فرهنگی نمود بیشتر پیدا می کند بطور مثال رشد کتابخانه ها در استان و رشد مراجعین و عضویت در کتابخانه های استان حکایت از روند رو به رشد سطح سواد و تحصیلات و فرهنگ استان دارد که این امر نقطه قوت و پتانسیلی برای رشد در استان خواهد بود. تعداد کتابخانه و کتابهای موجود در آن در کلیه سال های مورد بررسی روند افزایشی داشته است. این فرایند یکی از ویژگی های مثبت استان است که باعث افزایش و رشد فرهنگ مطالعه بین مردم می شود و از این طریق تغییرات در ارزش ها و باورها راحت تر اتفاق می افتد. کمترین تعداد کتابخانه های عمومی عمدتاً در مناطق جنوبی استان قرار دارند.

همچنین رشد موسسات فرهنگی و مطبوعات و نشریات در استان از نظر فرهنگی استان را با رشد قابل توجه ای روبه رو کرده است. هر چند در بعد فرهنگی تفاوت اشکاری در بین شهرستانهای استان مشاهده می شود بطوری که در بعد فرهنگی شهرستان کرمان به اختلاف بسیار زیادی از سایر شهرستان ها در رتبه اول قرار دارد. در رتبه های دوم و سوم شهرستان های رفسنجان و سیرجان قرار گرفته است در برخی از شهرستان های مانند ارزوئیه، انار، کوهبنان، فهرج، نرماشیر و ... تعداد موسسات فرهنگی - هنری و یا امکانات فرهنگی بسیار کم می باشد. از سوی دیگر رشد منفی شاخص های مربوط به سینما هماهنگ با کل کشور است و پیامد طبیعی تغییرات فرهنگی و جایگزینی سینما با پدیده های فرهنگی جدیدتری نظیر دی وی دی، ماهواره، اینترنت و بازی های کامپیوتری می باشد. در واقع به نظر می رسد شاخص سینما و استفاده از سینما امروزه به تنهایی نمی تواند یکی از شاخص های اصلی توسعه فرهنگی محسوب شود.

در مجموع می‌توان گفت رشد مثبت شاخص‌های انتشار روزنامه و مجله محلی قابل توجه است و این واقعیت به این امر ناظر است که استان کرمان از نظر منابع تولید و انتشار اطلاعات در بین مردم پتانسیل خوبی دارد. سرمایه‌گذاری روی این پتانسیل‌ها رویکرد مناسبی در جهت توسعه فرهنگی استان محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر محدودیت‌های چاپ در استان تقریباً قابل توجه است. اکثر مناطق جنوبی استان فاقد امکانات کامل یا مناسب چاپ می‌باشند که این مسئله نشانگر ضعف زیر ساخت‌های فرهنگی در این منطقه می‌باشد. بیشترین امکانات چاپ در مرکز استان تمرکز یافته است. این واقعیت تاکید مجددی است بر تمرکز امکانات فرهنگی در مرکز استان و عدم بهره‌مندی اکثر نقاط استان از امکانات موجود.

همچنین بررسی شاخص سازمان‌های غیر دولتی در استان بیانگر آن بود که امروزه افزایش مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی بر دامنه و گستره فعالیت این سازمان‌ها تأثیر گذاشته و تعداد آن‌ها در سالهای اخیر در کرمان رو به فزونی نهاده است. در استان کرمان تعداد ۱۰۶ سازمان غیر دولتی در موضوعات مختلف، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و ... ثبت شده است که پراکندگی آن در سطح استان یکنواخت نمی‌باشد.

یکی دیگر از مسائل اجتماعی در استان کرمان بیکاری است تحولات شغلی و افزایش تعداد جمعیت شاغل در استان نشان می‌دهد که طی سال‌های ۹۰-۱۳۵۵ هر ساله به طور متوسط ۲.۷۵ درصد افزایش داشته است. و طی سال‌های ۹۰-۱۳۷۵ افزایش تعداد شاغلین نرخ ۳.۱ درصد داشته است. فرصت‌های شغلی زیادی در خلال این سال‌ها ایجاد شده است. اشتغال زنان نیز که همواره یکی از شاخص‌های توسعه بوده است از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ با نرخ رشد ۳.۱ درصدی رشد افزایشی در استان داشته است. بررسی شاخص مهاجرت درون استانی نیز حکایت از مقصد بیشتر مهاجرین به شهرستان کرمان، شهر کرمان و شهرهای بزرگ دارد و همچنین مهاجرت برون استانی نیز براساس اطلاعات خالص مهاجرت از شهرستان کرمان نزدیک به ۶۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰ بوده است و شهرستانهای جیرفت و کهنوج نیز با بیش از ۱۰۰۰ نفر مهاجرین برون استانی رتبه‌های بعدی را دارا می‌باشند اما از آن سو شهرستان‌های رفسنجان و سیرجان هر یک تراز مثبت داشته و بیش از ۲۰۰۰ نفر مهاجر را پذیرفته‌اند.

ویژگی‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگی مردم استان کرمان بهبود و افزایش چندانی نداشته و در پاره‌ای از موارد این شاخص‌ها با کاهش نیز روبه‌رو بوده است. بطور مثال میل به پیشرفت در سال ۱۳۸۶ به میزان متوسط در مردم استان کرمان بدست آمده بود که در سال ۱۳۹۴ از نظر مردم و کارشناسان هر دو در سطح پایین ارزیابی شده است. همچنین، متغیر خودباوری که برای رشد و توسعه عامل مهمی به شمار می‌آید در سال ۱۳۸۶ به میزان متوسط

نشان داده شده است، اما در سال ۱۳۹۴ از نظر مردم و کارشناسان هر دو در سطح پایین قرار گرفته است. اما برخی ویژگی‌ها نظیر همکاری، ارزش قائل شدن برای علم و میل به یادگیری در سطح نسبتاً خوبی باقی مانده است.

بررسی نقاط ضعف و قوت فرهنگی استان کرمان حاکی از آن است نقاط ضعف بیشتری نسبت به نقاط قوت وجود دارد که نشان دهنده وضعیت نامطلوب عناصر فرهنگی لاینفک توسعه در استان کرمان است. موانع و عوامل فرهنگی موثر بر توسعه بطور کلی در مردم استان کرمان در حد متوسط است که برای رشد و پیشرفت باید نقاط قوت و عوامل فرهنگی تقویت گردد و نقاط ضعف و موانع فرهنگی کاهش یابد. بررسی شاخص‌های توسعه حاکی از آن است عوامل مهمی که به رشد و پیشرفت یک جامعه کمک می‌کند نظیر روحیه قوی، خودباوری فرهنگی، عدم تعصب فکری، تمایل به نوآوری و یادگیری، میل به پیشرفت، کار گروهی، فرهنگ کار، وقت شناسی، عام‌گرایی، رفتارهای مناسب اجتماعی در ترافیک و محیط زیست، استقلال، ریسک‌پذیری، احساس قدرتمندی اجتماعی، سنت‌گرایی و عدم دنیاگرایی در مردم استان کرمان در سطح پایین و نامطلوبی قرار دارد.

نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات فرهنگی استان کرمان می‌توان به طور کلی اینگونه دسته‌بندی نمود: نقاط قوت فرهنگ استان کرمان در سه دسته کلی اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و تمایلات علمی و مکانی بالا قرار می‌گیرد. از ضعف فرهنگی را میتوان به عملکرد و تفکر اقتصادی، رعایت قانون، آگاهی‌های حقوقی، شهروندی، تاریخی و نشاط اجتماعی پایین و میزان بالای جرایم سرقت، اینترنتی و مواد مخدر اشاره نمود. زمینه‌های تاریخی، میراث فرهنگی غنی، تحصیلات و امکانات فرهنگی، تبادلات فرهنگی و منابع طبیعی بعنوان فرصت‌های در اختیار مردم استان کرمان می‌باشند. مشکلات اقتصادی نظیر بیکاری، فقر، فقدان سرمایه‌گذاری، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، خدمات نامناسب شهری، موقعیت جغرافیایی، رقابت ملی و بین‌المللی و ناکارآمدی مسئولین تهدیدی برای استان به شمار می‌روند.

تغییرات فرهنگی و اجتماعی موجب گردیده برخی کالاهای فرهنگی ارزش و کاربرد خود را از دست دهند و وسایل و ابزارهای فرهنگی جدید جایگزین آن‌ها شوند. بدین سبب استفاده از کالاها و وسایل فرهنگی نظیر کتاب، سینما و مطبوعات کاهش یافته و کالاهای فرهنگی جدیدی نظیر ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در قشرهای مختلف مردم کرمان به خصوص دختران و پسران نوجوان و جوان رایج شده که در صورت عدم زمینه‌سازی و هدایت صحیح، مسائل و پیامدهای منفی اجتماعی و فرهنگی زیادی برای جامعه و مردم استان کرمان به دنبال دارد.

بر اساس آمار بدست آمده در استان کرمان میتوان گفت نرخ جرم و پرونده های دادگاه های عمومی از سال ۸۶ تا سال ۱۳۹۴ نه تنها کاهش نداشته بلکه افزایش نیز داشته است. سرقت بعنوان بیشترین جرم در کرمان در اصل ۱۳۸۶ همچنان رتبه اول را دارد اما جرم انحصار وراثت و ضرب و جرح در این سال ها افزایش یافته بطوری که به جای جرم مفاسد اجتماعی در گذشته قرار گرفته است. اعتیاد و قاچاق همچنان حجم بالایی از جرایم استان را به خود اختصاص داده است. جرایم اجتماعی نظیر تهدید، قتل، ضرب و جرح و خودکشی در این سال ها سیر صعودی داشته است. تمایل به بزهکاری نیز در نوجوانان به خصوص دختر افزایش یافته و در سطح متوسط قرار دارد.

سرمایه اجتماعی در کرمان در سطح متوسط بدست آمد که نسبت به نتایج آمایش سرزمین سال ۱۳۸۶ تفاوتی نشان نداده، بلکه در برخی مولفه ها نظیر اعتماد تعمیم یافته کاهش نیز داشته است. مردم کرمان در آمایش سرزمین ۱۳۸۶ میزان رضایت از زندگی را در سطح متوسط ابراز کردند در حالی که در سال ۱۳۹۴ در سطح متوسط رو به پایین بیان کردند. قابل توجه است میزان رضایت از زندگی در بین ساکنین کرمان نسبت به سال ۱۳۸۶ کاهش داشته است و این نشان می دهد که مردم کرمان رضایت از زندگی شان در حال کاهش است. توافق ارزشی مردم کرمان در هر دو آمایش در سطح بالایی ارزیابی شد که نشان دهنده سطح مطلوب ثبات یک جامعه است. اما تمایل به کار که در سال ۱۳۸۶ در سطح بالا بود، در سال ۱۳۹۴ با تنزل روبه رو بوده است و به سطح متوسط رو به پایین نزول پیدا کرده است. دین، خانواده، کار، عدالت، سلامتی، علم، میهن به ترتیب مهمترین ارزش ها برای مردم استان کرمان در سال ۱۳۸۶ بودند که در سال ۱۳۹۵ با تغییراتی رو به رو بوده است. مهم ترین ارزش ها در مردم کرمان در سال ۱۳۹۴ به ترتیب عبارت اند از: عدالت، مبارزه با ظلم، امانتداری، کار، دین، خانواده. تغییرات در این زمینه هر چند نشان می دهد که توافق ارزشی زیادی بین مردم کرمان وجود دارد اما نشان می دهد حساسیت های مردم به سمت چه مسائلی رفته است و فقدان چه ارزش هایی در جامعه برای آن ها برجسته تر شده است. به عبارت دیگر ارزش عدالت، مبارزه با ظلم در ذهن مردم اهمیت بیشتری یافته و علم و میهن دوستی به مراتب جایگاهشان تغییر نزولی پیدا نموده است که نیازمند توجه و دقت بیشتری است. همچنین، مقایسه نتایج دو آمایش سرزمین نشان داد ارزش های فرامادی کما فی السابق اهمیت بیشتری برای مردم نسبت به ارزش های مادی دارد.

میزان مشارکت مردم استان کرمان نسبت به سال ۱۳۸۶ افزایشی نداشته و آمارها در این مولفه سرمایه اجتماعی با یکدیگر تفاوتی نمی کنند. عبارتی مشارکت سیاسی رسمی مردم در سطح بالایی است اما مشارکت غیر رسمی و اجتماعی مردم خیلی کم است.

نقاط قوت:

- وجود قابل توجه تحصیل کردگان مقطع عالی در استان
- بومی بودن اکثر مدیران سیاسی و اقتصادی استان
- همدلی و همزبانی مردم و مدارای اجتماعی
- احساس تعلق و هویت در سطح متوسط
- توسعه فعالیت های تحقیقاتی، آموزشی، تفریحی، توریسم و ایرانگردی
- بالا بودن تعداد عناوین مطبوعات استان و پراکندگی آنها در سطح استان
- وجود جمعیت جوان و فعال
- وجود یکپارچگی قومی در استان
- افزایش تعداد کتابخانه ها و تعداد مراجعین آنها در طی سال های مطالعه
- وجود دانشگاه و مراکز آموزشی عالی زیاد در استان

نقاط ضعف:

- افزایش جمعیت شهری در استان و کاهش تعداد روستاها
- بالا بودن نرخ رشد جمعیت در استان کرمان در مقایسه با کشور
- گسترش پدیده حاشیه نشینی در شهرهای بزرگتر به ویژه شهر کرمان
- سطح متوسط رو به پایین رضایت از زندگی در مردم
- پایین بودن سطح اعتماد اجتماعی در بین جوانان و اعتماد تعمیم یافته
- افزایش مهاجرت روستایی، خالی شدن روستاها از جمعیت
- کوچ روستائیان و تغییر الگوی تولیدی روستائی به مصرفی شهری
- عدم تعادل در شهرنشینی و روستانشینی
- بالا بودن میزان مهاجر فرستی استان در مقایسه با مهاجرپذیری آن
- تفاوت در امکانات فرهنگی بین شهرستان های استان
- تمرکز امکانات فرهنگی در مرکز استان و عدم بهره مندی اکثر نقاط استان از امکانات موجود

- تغییرات فرهنگی و جایگزینی سینما با پدیده‌های فرهنگی جدیدتری نظیر دی وی دی، ماهواره، اینترنت و بازی‌های کامپیوتری
- بی‌سوادی بخشی از شاغلان و افراد جویای کار در استان
- وجود انواع بزهکاری در بین جوانان و نوجوانان از جمله اعتیاد
- حجم بالایی از جرایم قاچاق و نزاع‌های قومی و طایفه‌ای و نبود احساس امنیت در شهرستانهای جنوب استان
- کمبود فضاهاى فرهنگى و هنرى در بخش اعظم استان
- عدم وجود امکانات فرهنگى و ورزشى مناسب و امکانات فراغتى سالم و با کیفیت در استان
- مطالعه کم و کاهش تمایل به کتابخوانى در کودکان و نوجوانان
- عدم برنامه ریزى و تفکر اقتصادى و سواد اقتصادى پایین

فرصت‌ها:

- شرایط مناسب اجتماعى - فرهنگى استان نسبت به استان‌هاى همجوار مرزى
- تاریخ و هویت گذشته استان کرمان
- میراث فرهنگى و آثار باستانى غنى
- منابع طبیعى کرمان و تنوع اقلیمى و هوای سالم
- نخبگان استانى، علمى، فرهنگى، دینى و سرمایه انسانى متخصص و ماهر
- وجود رجال سیاسى کرمانى در دستگاه سیاسى کشور و برساخت الگوی موفق بومی
- بکر بودن و بستر پذیرش ایده‌هاى نو و تحقیقات علمى
- امکان توریسم وجود مکان‌هاى گردشگرى مراددت با بیرون از استان و استفاده درست از تجربه‌ها و برنامه‌هاى موفق ملی و فراملی
- حمایت از سرمایه‌گذارى داخلی و خارجی

تهدیدها:

- همجواری با استان های مرزی و ترانزیت و قاچاق (قرار گرفتن در مسیر ترانزیت مواد مخدر)
- استحاله فرهنگی از طریق رسوخ فرهنگ بیگانه از طریق ماهواره و اینترنت
- همجواری با مراکز عمده تولید مواد مخدر در جهان (افغانستان و پاکستان)
- بافت عشایری و قبیله ای مردم بعضی از مناطق و دسترسی آسان به سلاح و مهمات
- موقعیت جغرافیایی کرمان و دوری از مراکز تجمع انسانی، مراکز سیاسی و اداری
- مهاجرت و اسکان تعداد زیادی از اتباع کشور افغانستان و پاکستان و چالش های فرهنگی، اجتماعی و

امنیتی

- مهاجرت بی رویه (عزیمت عالمان از استان، مهاجرت از روستا به شهر)
- نفوذ استان های دیگر و همجوار و رقابت در صنایع و محصولات فرهنگی با استان کرمان